نیم نگاهی به حج

نویسنده :
اصغر قائدان

بسم الله الرحمن الرحیم

نیم نگاهی به حج

نویسنده:

اصغر قائدان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نیم نگاهی به حج ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
اشاره ----- ۷
کعبه و حج در قرآن ----- ۱۳
کعبه و جایگاه آن ----- ۱۹
مسجدالحرام و محدوده آن ----- ۲۲
حدود مکه و حرم ----- ۲۳
علت تحریم و تعیین حدود حرم ----- ۲۵
حج برای همه طبقات ----- ۲۶
حج محل پیام‌گیری و پیام‌رسانی (تبلیغات در حج) ----- ۲۸
حج زنده نگاه داشتن آثار رسول خدا- ص- ----- ۳۱
حج و عمره‌های رسول خدا- ص- ----- ۳۴
حجهْالوداع ----- ۳۶
کعبه محور آزادی و مطاف آزادیخواهان ----- ۴۰
مناسک حج از دیدگاه مذاهب اسلامی ----- ۴۱
مسؤولیت حکومت اسلامی درباره حج ----- ۴۹
فلسفه اعلام برائت از مشرکان ----- ۵۱
ابعاد عرفانی و درونی مناسک حج ----- ۵۵
دعا و توبه در حج ----- ۵۷
اهمیت مسجدالنبی وزیارت رسول خدا- ص- در مدینه ----- ۶۱
لزوم شرکت در جماعات مسلمین ----- ۶۵
آشنایی با فرق و مذاهب مشهور اسلامی ----- ۶۷

اشاره ----- ۶۷
۱ شیعه امامیه؛ ----- ۶۸
۲- مذهب شافعی؛ ----- ۷۴
۳- مذهب حنفیه؛ ----- ۷۵
۴- فرقه حنبلیه؛ ----- ۷۶
۵- فرقه مالکیه؛ ----- ۷۶
۶- خوارج؛ ----- ۷۷
۷- زیدیه؛ ----- ۷۹
۸- اسماعیلیه؛ ----- ۸۱
۹- مُرجئه؛ ----- ۸۴
۱۰- معتزله؛ ----- ۸۵
۱۱- اشاعره؛ ----- ۸۶
۱۲- ثوریه؛ ----- ۸۷
۱۳- وهابیه؛ ----- ۸۷
۱۴- سالمیه؛ ----- ۹۰
۱۵- کرامیّه؛ ----- ۹۱
درباره مرکز ----- ۹۵

نیم نگاهی به حج

مشخصات کتاب

نام کتاب: نیم نگاهی به حج

نویسنده: دکتر اصغر قائدان

موضوع: اسرار و معارف

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

کعبه و حج در قرآن

ص: ۷

(سیری در آیات حج)

قرآن کریم آیینه تمام نمای حج است. در این کتاب آسمانی، بندگان خداوند به انجام یکی از واجبات الهی با فراخوانی منادی بزرگ توحیدی؛ یعنی ابراهیم خلیل-ع- مأمور شده‌اند: «وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَعَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ.» (۱)

قرآن کریم فلسفه بنای کعبه و انجام حج را چنین تشریح می‌سازد:

«إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبَارَکاً وَهُدًی لِلْعَالَمِینَ ... وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَمَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعَالَمِینَ.» (۲)

۱- حج: ۲۷

۲- آل عمران: ۹۶

ص: ۸

در این آیات، کعبه اوّلین خانه‌ای معرفی شـده که خداونـد آن را مخصوص (پرسـتش) مردم قرار داده و در حقیقت این آیات بیانگر آن است که بر خلاف ادعای یهود،- که بیت المقـدس را نخستین قبله می‌داننـد- کعبه یا بیت، اولین خانه‌ای است که خداونـد برای عبـادت و طواف بنـدگان بر روی زمین بنـا فرموده است. در آیات دیگری لفظ «بیت» در کنار «کعبه» آمـده است که هر دو مترادف یکدیگر می‌باشند: «جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرَامِ قِیاماً لِلنَّاسِ.» «۱»

در آیه ۹۶ سوره آل عمران نیز لفظ بیت به معنای کعبه است که خداونـد آن را مبارک و هـدایتگر جهانیان گردانیده است. در ادامه آیه یاد شده، حجِّ این بیت، برای کسانی که استطاعت و توان مادی و عقلی داشته باشند واجب گردیده است.

در آیات مختلفی، از تاریخ و چگونگی بازسازی کعبه به وسیله حضرت ابراهیم- ع- سخن به میان آمده است.

«وَإِذْ یَرْفَعُ إِبْرَاهِیمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَإِسْمَاعِیلَ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.» «۲»

---

(۱)- ابراهیم: ۳۷

(۲)- بقره: ۱۲۷

ص: ۹

در این آیه معمار و سازنده کعبه، یکی از بهترین بندگان الهی؛ یعنی ابراهیم خلیل-ع- با دستیاری فرزندش اسماعیل معرفی شده است. خداوند از زبان این معمار عظیم الشأن به مکان کعبه،- که در بیابانی غیر ذی زرع قرار گرفته- اشاره می کند، «رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ.» (۱)

آن حضرت به امر خداوند، خاندان خود را در سرزمینی که هیچ نشانی از آبادانی در آن نبوده سکونت می‌دهد. در این آیه به وجود کعبه قبل از حضرت ابراهیم-ع- نیز به وضوح اشاره شده است «عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ» یعنی آنان را در کنار خانه و حرم تو سکونت دادم و یا این که آن حضرت در پاسخ به هاجر که می گفت: «الی مَنْ تَدَعْنِی؟» ما را به که می‌سپاری؟ فرمود: «الَی رَبِّ هَذِهِ الْبَنِیَّةِ» ونیز در آیه دیگری به مکان بیت اشاره شده است که از قبل وجود داشته و خداوند آن را به ابراهیم-ع- نشان داده است: «وَإِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِیمَ مَکانَ الْبَیْتِ أَنْ لاتُشْرِکَ بِی شَیْئاً» (۲)

پس باید گفت سابقه وجود این خانه به دورانهای متمادیِ قبل از ابراهیم-ع- می‌رسد که به

۱- ابراهیم: ۳۷

۲- حج: ۲۶

ص: ۱۰

گفته مورخان، باید بانی اولیه آن را حضرت آدم- ع- دانست.

پس از ساختن کعبه، حضرت ابراهیم- ع- از خداوند اجرت و پاداش خود را از انجام این مأموریت، چنین می‌خواهد:

«رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ.» (۱)

خواسته‌های ابراهیم خلیل- ع- از خداوند در این آیه چنین است: ۱- اقامه نماز در کنار بیت ۲- جذب قلوب و توجه گروهی از مردم،- نه همه آنان- سوی این بیت ۳- روزی گرفتن بندگان خدا از قِبَل این بیت؛ و نیز در جای دیگری آن حضرت از خداوند امنیت این شهر و سرزمین را می‌طلبد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدِ آمِناً.» (۲)

دیری نپایید که خداوند باریتعالی دعاهای حضرت ابراهیم- ع- را مقرون به اجابت فرمود؛ زیرا به قدرت الهی چاه زمزم زیر پاهای اسماعیل شیرخوار فوران کرد و آب که مایه حیات این سرزمین غیر ذی‌زرع بود بزودی آن را آبادان ساخت، پرندگان و حیوانات در کنار آن گرد آمده و قبایل جرهم نیز در کنار آن فرود

۱- ابراهیم: ۳۷

۲- عنکبوت: ۶۷

ص: ۱۱

آمدنـد. این سـرزمین خشك و سوزان به یک «بلد» یعنی شـهر قابل سـکونت و امن تبدیل شد که مسأله امنیت آن نیز در جای جای قرآن مطرح شده است.

«أَوَلَمْ یَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَماً آمِناً وَیَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ یُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ یَکْفُرُونَ» (۱)

میهمانـان و زائران بیت اللّه بایـد از امنیت برخوردار باشـند. امنیتی که در سرتاسـر شـبه جزیره بخـاطر عصبیت جاهلی معنا و مفهومی نـداشت و خداونـد در این آیات به امنیت این سـرزمین بـدین گونه اشاره می‌کنـد که آدمها در خارج از حرم و مکه ربوده می‌شوند «یَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ» و امنیـتی در اطراف حرم وجود نـدارد ولی در حرم الهی همه چیز؛ انسـان، حیوان و حـتی گیـاه بایـد در امنیت باشد.

همان گونه که خداوند، مردم را به حج فرا می‌خواند، خود نیز به آنان می‌آموزد که چگونه آن را به انجام رسانند؛ یعنی در حقیقت، قرآن برای حج، کتاب مناسک است. در این کتاب الهی سعی و طواف بین صفا و مروه از واجبات حج معرفی شده و این دو اثر، از شعائر خداوندی دانسته شده است. «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهِ

۱- عنکبوت: ۶۷

ص: ۱۲

أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ...» (۱)

در جای دیگری خداوند به وقوف در عرفات و کوچ به سوی مشعرالحرام اشاره دارد؛ «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ» (۲) ، «فِإذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَديكُمْ ...» (۳)

همچنین مسأله قربانی و حلق و یا فدیه دادن در مقابل آن نیز بطور کامل در این آیات تشریح شده است: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتّى يَبْلُغَ الْهَدْىُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ...» (۴).

نشانه‌ها و آیات خداوندی در حرم امن الهی نیز در آیات دیگری آمده است که عمده‌ترین آن «مقام ابراهیم» است که بندگان خداوند مأمور شده‌اند در کنار و یا پشت آن نماز گزارند. ابراهیم- ع- هنگام ساخت و بازسازی کعبه و یا هنگام فراخوانی مردم به سوی حج «هَلِمُّوا إِلَى الْحَجِّ» بر سنگی از کوه ابوقبیس ایستاد و به قدرت الهی آن سنگ بگونه‌ای نرم شد که

۱- بقره: ۱۵۸

۲- بقره: ۱۹۸

۳- بقره: ۱۹۸

۴- بقره: ۱۹۵

ص: ۱۳

جای پای آن حضرت بر آن فرو رفت و این یکی از نشانه‌های خداوند است که در سوره آل عمران آیه ۹۷ آمده است: «فِیهِ آیَاتٌ بَیِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِیمَ وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِناً» مقام ابراهیم که اکنون در ۱۳ متری کعبه قرار دارد و نیز مسأله امنیت حرم در این آیه از نشانه‌های روشن الهی است.

مفسران چاه زمزم را نیز از نشانه‌های یاد شده دانسته‌اند که آب آن هزاران سال است به رغم خشکسالی این سرزمین، همچنان می‌جوشد و از معجزات دیگر آن این که فاسد نمی‌شود.

مفسران مشعرالحرام و وجود سنگریزه‌های فراوان در آن برای رمی جمرات که هزاران سال است تمام شدنی نیست و یا حجرالاسود را که یاقوتی سفید از بهشت خداوندی است از آیات بینات این سرزمین مقدس دانسته‌اند.

کعبه و جایگاه آن

«إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکاً وَهُدًی لِلْعَالَمِینَ، فِیهِ آیَاتٌ بَیِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِیمَ وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِناً.» (۱)

۱- آل عمران: ۹۶ و ۹۷

ص: ۱۴

بر اساس روایات تاریخی، کعبه قبل از آفرینش آسمانها و زمین، چون حُبابی بر روی آب بود، اندک‌اندک قسمتهای دیگر زمین از زیر آن گسترده و پهن شد، «دحو الارض» بدین معناست.

بانی کعبه را حضرت آدم-ع- دانسته‌اند که خداوند مکان آن را که سکویی مرتفع و سفید بوده و از آن نوری چون نور خورشید و ماه می‌درخشید به حضرت آدم نشان داد و او مأموریت یافت تا کعبه را برای پرستش حق بنا سازد. کعبه هنگام طوفان نوح از نظرها پنهان شد تا این که خداوند مکان آن را به حضرت ابراهیم-ع- که از شام به همراه هاجر و فرزندش اسماعیل به این سرزمین لم یزرع آمده بودند نشان داد و آن پیامبر الهی و منادی توحید با کمک فرزندش به ساخت کعبه پرداخت. در حقیقت، این خانه توحید به دست بهترین بندگان خداوند؛ یعنی آدم، ابراهیم و اسماعیل- علیهم‌السلام- ساخته شد تا مورد پرستش موحدان قرار گیرد. حجرالاسود از کوه ابوقبیس، و از بهشت فرود آمد تا در گوشه‌ای از ارکان کعبه قرار گیرد. ابراهیم-ع- برای ساختن کعبه بر سنگی از کوه ابوقبیس می‌ایستاد که به مقام ابراهیم

ص: ۱۵

مشهور گردید. حجرالاسود و مقام ابراهیم و نیز حجراسماعیل (در کنار کعبه) و چاه زمزم از نشانه‌های خداوندی در مسجدالحرام هستند و همواره مورد توجه زائران بیت اللّه قرار دارند.

برای کعبه حدود هفتاد نام ثبت شده است که بعضی از آنها در قرآن کریم نیز آمده است، از جمله:

۱-/ «بکّه» که بعضی بکّه را بیت اللّه یا مسجدالحرام و مکه را نام شهر دانسته‌اند

۲-/ «کعبه»

۳-/ «بیت الحرام»

۴-/ «بیت»

۵-/ «مسجدالحرام»

۶-/ «بیت عتیق»

۷-/ «بیت المعمور»

با این اوصاف کعبه نخستین مکان بر روی زمین است که خداوند در کنار آن عبادت شده و نخستین خانه‌ای است که قبله اهل توحید و مکان پرستش خداوند متعال بوده و حضرت حق جایگاه و اهمیت آن را در جای جای قرآن بیان کرده است.

ص: ۱۶

گاهی آن را مکانی «مبارک» و در جایی «هدایتی برای جهانیان» و در آیه‌ای دیگر، «مکانی امن» دانسته شده است و لذا از اینجاست که به عظمت و جایگاه حساس و والای کعبه پی برده و در مقابل این همه اعجاز و عظمت سر تسلیم فرود می‌آوریم.

مسجدالحرام و محدوده آن

بر اساس روایتی از جعفر بن محمد الصادق-ع- حضرت ابراهیم و اسماعیل- علیهماالسلام- حدّ مسجدالحرام را تا صفا و مروه قرار داده بودنـد. از دوران جاهلی در اطراف کعبه خانه‌های متعـددی ساخته شده بود و بسـیاری از مردم در حریم آن زندگی می‌کردند. در دوران اسـلام نیز این خانه‌ها همچنان پا برجا بود و مسـلمانانی که از مـدینه و سایر سـرزمینها برای حج می‌آمدند راهی جز داخل شدن در آن خانه‌ها و ورود به مسـجدالحرام نداشـتند؛ به عبارت دیگر محدوده‌ای در آن دوران به عنوان مسجدالحرام وجود نداشت و عمـدتاً این نـام بر فضای خالی اطراف کعبه اطلاق می‌شـد. پس از رحلت پیامبر- ص- که بر جمعیت مسـلمانان افزوده شـد، انجام مراسم عبادی حج با مشکلات عمده‌ای روبرو گردید لذا خلیفه دوم

ص: ۱۷

برای اولین بار به توسعه مسجد پرداخت. وی در سال هفدهم هجری خانه‌های اطراف مسجد را خریده و تخریب کرد آنگاه دیواری بر گرد آن کشید و محدوده مسجد را مشخص و به وسیله سنگریزه پوشانید. در دوران خلیفه سوم و سپس بوسیله عبد اللَّه بن زبیر، عبدالملک بن مروان و ولید، منصور عباسی، مهدی عباسی و نیز در دوران عثمانی‌ها به مساحت مسجدالحرام بطور مرتب افزوده گردید و تا ابتدای حکومت آل سعود مساحت آن به بیش از ۲۵ هزار متر مربع رسیده بود و هم اکنون مساحت آن به بیش از یکصد هزار متر مربع رسیده است.

حدود مکه و حرم

کسانی که قصد ورود به مکه معظمه و بیت اللَّه الحرام را دارند؛ چه ساکن و چه مسافر، حق داخل شدن در این شهر را بدون بستن احرام ندارند. مکانی که حاجیان در آن مُحرم می‌شوند را «میقات» گویند. در اطراف مکه شش میقات در نقاط مختلف قرار دارد که هر یک در مسیر حجاج مناطق مختلف اسلامی واقع شده‌اند. این میقاتها عبارتند از:

ص: ۱۸

۱-/ مسجد شجره یا ذوحلیفه (آبار علی)؛ این مسجد در هشت کیلومتری غرب شهر مدینه قرار دارد و میقات کسانی است که از مدینه به مکه می‌روند. پیامبر اکرم- ص- در چهار سفر حج خود، در این میقات محرم شدند.

۲-/ جُحفه؛ در ۱۵۶ کیلومتری شمال غربی مکه واقع شده و میقات اهل شام و سرزمینهای دیگری است که از این مسیر وارد مکه می‌شوند. امروزه کسانی که از جده به مکه می‌آیند، در این مکان محرم می‌شود. منطقه غدیر خم در نزدیکی این مکان قرار دارد.

۳-/ وادی عقیق؛ در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه بوده و میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

۴-/ قرنُ المنازل؛ در جنوب شرقی مکه و در ۹۴ کیلومتری آن قرار دارد. این میقات، مخصوص کسانی است که از طائف (جنوب مکه) وارد می‌شوند.

۵-/ یَلَمْلَمْ؛ نام کوهی است از کوههای تهامه که در ۸۴ کیلومتری جنوب شرقی مکه واقع است و میقات کسانی است که از یمن (جنوب شبه جزیره) وارد این شهر می‌شوند.

۶-/ فخّ؛ سرزمین شهدای واقعه خونین فخ در ۶ کیلومتری

ص: ۱۹

مکه ششمین میقات حاجیان است. در این مکان در دوره خلفای عباسی، بسیاری از نوادگان ائمه شیعه و سادات که علیه ظلم و جور خلفا دست به قیام زده بودند به خاک و خون کشیده شدند.

علت تحریم و تعیین حدود حرم

قال رسول اللَّه- ص-: «انّ اللَّه سبحانه حرّم مکهٔ و لم یحرمها الناس ولا یحل لمن کان یؤمن باللَّه و الیوم الآخر ان یسفک بها دماء ولا یعضد بها شجراً.»

در قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۹۰ نیز به مسأله تحریم مکه اشاره شده است؛ «وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِناً.»

روایتی در علت تعیین حدودِ حرم و علت تحریم آن می گوید:

وقتی آدم و حوا از بهشت فرود آمدند، بر صفا و مروه نشستند و خداوند اعمال حج را به آنان آموخت، خیمه‌ای برپا شد که ستونهای آن از چوب درخت بهشتی به رنگ قرمز بود و نور آن به کوههای مکه و اطراف می‌تابید و لذا تا مسافتی که نور این ستونها می‌رسید از هر سمت آن را حرم قرار دادند.

ص: ۲۰

حضرت ابراهیم- ع- بنابر آنچه که جبرئیل- ع- به او تعلیم داده بود، علایمی را در حد و مرز حرم مکه نصب کرد. منابع تاریخی و مورخان شش سمت محدوده حرم را بدین گونه معرفی کرده‌اند:

۱- سمت طائف؛ از راه عرفات در میان «نمره» در عرفات است که فاصله آن را هیجده مایل و یا بعضی یازده مایل با مکه دانسته‌اند.

۲- سمت عراق؛ در یازده کیلومتری

۳- جعرانه؛ در چهارده کیلومتر

۴- تنعیم؛ در شش کیلومتری مکه از راه مدینه

۵- حدیبیه؛ در پانزده کیلومتری مکه در سمت جده

۶- اضاهٔ لِبْن؛ در سمت یمن و ده کیلومتری مکه

حج برای همه طبقات

«وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَعَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ.» (۱)

در این آیه خداوند حضرت ابراهیم- ع- را مأمور می‌سازد

۱- حج: ۲۷

ص: ۲۱

تا همه مردم را بدون استثنا، برای انجام حج فرا خواند. و آنان نیز بعضی پیاده و بعضی سواره بر مرکوبهای نحیف، برای حج خواهند شتافت. «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» در آیه اول، طبقه ضعیف و نسبتاً فقیر که بدون وسیله و پیاده به حج می‌آیند و نیز طبقه متوسط- که سوار بر مرکوبهای لاغر و ضعیف هستند- از کسانی معرفی شده‌اند که ندای ابراهیم را لبیک می‌گویند.

در آیه دوم استطاعت و توان مالی و نیز عقلی از شرایطی است که دارنده آن را از «ناس»، یعنی همه مردم استثنا ساخته و حج را برای آن طبقه واجب می‌نماید. در حقیقت خداوند، هم طبقه ضعیف و هم طبقه غنی را برای حج فرا می‌خواند لیکن این طبقه ضعیف هستند که پیاده و یا سوار بر مرکوبهای ناتوان، به ندای او لبیک می‌گویند.

در جای دیگری خداوند خانه کعبه را برای مردم (تمامی مردم) قرار داده و آن را «هُدًى لِلْعَالَمِينَ» معرفی کرده است؛ یعنی برای «همه مردم جهان» هدایتگر است. فرمان خداوندی برای انجام حج شمول و فراگیر است برای تمامی طبقات، طواف برگرد کعبه هیچ اختصاصی به طبقه، گروه و نژاد خاصی ندارد،

ص: ۲۲

مردم سرزمینی از مردمان سرزمین دیگر به این امر اولی نیستند و مرزهای طبقاتی، اقتصادی، جغرافیایی در این امر همگانی نقش ندارد. نژاد، جنس، رنگ، زبان و ... هیچیک در این امر مؤثر نیست؛ زیرا حج برای همه مردم و همه طبقات است.

حج محل پیام‌گیری و پیام‌رسانی (تبلیغات در حج)

اوّلین جرقه پیام‌رسانی در حج، از سوی خداوند باری تعالی و بوسیله ابراهیم- ع- زده شد «وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ» (۱) ؛ «ای ابراهیم مردم را برای حج فراخوان»، این پیامی بود الهی که در کنار کعبه و از زبان ابراهیم- ع- برای جهانیان صادر می‌شد. در حقیقت اولین پیام‌رسان در حج، ابراهیم نبی- ع- بود. او بر کوه ابوقبیس ایستاد و یا به روایتی بر سنگی ایستاد که تا قله ابوقبیس بلند شده و مردم را چنین ندا می‌داد: «هَلِمُّوا الَی الْحَجِّ»؛ «به سوی حج بشتابید.» کسانی که پیام او را گرفتند؛ چه از همان دوران و چه در عصر حاضر، به ندای خداوندی لبیک گفته و سواره و پیاده به سوی آن شتافته و خواهند شتافت.

۱- بقره: ۱۲۷

ص: ۲۳

رسول خدا- ص- برای دومین بار؛ یعنی پس از ابراهیم- ع- بر دامنه کوه صفا ایستاد و رسالت خویش را به مردم مکه ابلاغ فرمود. آن حضرت ابتدا یکی از شرایط رسول و پیغامبر (پیام‌آور) یعنی امانت داری و صداقت را برای مخاطبان خود عنوان ساخته و از آنان برای صداقت خویش شهادت و اقرار گرفت، وقتی همگی بالاتفاق صداقت او را تأیید کردند، به ابلاغ رسالت و پیام الهی خویش پرداخت و مردم را از عذاب الهی بیم داد. رسول خدا- ص- در آخرین حج خویش در مسیر تلاقی حجاج کشورهای مختلف؛ یعنی جحفه، تمامی زائران بیت اللّه را متوقف ساخت و پیام خداوند را که بدان مأمور شده بود، ابلاغ فرمود. اگر او در این هنگام نسبت به آنچه که خداوند از او خواسته و پیامی که باید از طرف او به مردم می‌رسانید مسامحه و کوتاهی می‌کرد «فَمَا بَلَّغْتَ رَسَالَتَهُ» رسالت و وظیفه خود را به انجام نمی‌رسانید.

پس از رسول خدا- ص- در دورانهای متفاوت، از مراسم حج بعنوان یکی از بهترین مراکز پیام‌گیری و پیام‌رسانی استفاده می‌کردند. بسیاری از ائمه، خلفا و حکام و بزرگان، در این مکان و در این مراسم عبادی- سیاسی با مردم نقاط مختلف ارتباط

ص: ۲۴

برقرار می‌ساختند. در این مراسم عظیم الهی، ملتهای مختلف، از اماکن دور و نزدیک با زبانها و نژادهای مختلف؛ سیاه، سپید، زرد، سرخ و با فرهنگهای متفاوت، همصدا، خداوند را می‌خوانند و در کنار یکدیگر، با برقراری ارتباطی معنوی و روحی به شناخت کاملتری از امت اسلامی دست می‌یابند. این مکان و این زمان بهترین جایگاه ارتباط، پیام گیری، پیام‌رسانی و تبلیغات است. باید گفت یکی از اسرار حج و اهداف عالی آن، آشنایی بیشتر و عمیق‌تر مردم با مسائل و اخبار امت اسلامی و انتقال آن به یکدیگر است.

حج محل تلاقی دردها و رنجها، خوشیها و شادیهای امت واحده است.

حج محل بیزاری و برائت از مشرکان و تبلیغ به نفع مظلومان و ستمدیدگان جهان است.

حج محل رسانیدن پیام دردهای مسلمانان فلسطین، لبنان، بوسنی و هرزگوین و ... است و در حقیقت هیچ نقطه‌ای از جهان همانند سرزمین وحی نمی‌تواند برای تبلیغ بطور کامل امن باشد و جایی امن‌تر از این مکان برای تحقق این امر نبوده و نخواهد بود.

ص: ۲۵

حج زنده نگاه داشتن آثار رسول خدا- ص-

جای‌جای سرزمین وحی نشان و بویی از رسول خدا- ص- دارد. از غار «حرا» و اعتکافهای آن حضرت گرفته تا «کوه ثور»، از کوه «ابوقبیس» گرفته تا کوه «صفا و مروه»، از «عرفات» گرفته تا «مشعر و منا»، از طواف پیرامون «کعبه» گرفته تا سعی بین «صفا و مروه»، همه و همه پر از خاطراتی شیرین و دلپذیر از حضور آن ستاره درخشان شبه جزیره و آن امین وحی است.

در هر نقطه این سرزمین باید با چشم دل، جای پای رسول خدا- ص- را دید، هر یک از تپه‌ها و کوههای داخل حرم، از رسول خدا- ص- آثار و نشانی دارند، کوه «صفا» در کنار کعبه شاهد ابلاغ رسالت پیامبر- ص- بود و در دامنه آن اولین دارالتبلیغ اسلامی؛ یعنی خانه ارقم بن ابی ارقم، روزی مکان عبادت پیامبر- ص- بوده است.

کوه «نور» شاهد گامهای استوار خدیجه بود که چهل شب با انبانی از غذا نزد شویش می‌رفت و در کنار او به تهجد و عبادت می‌پرداخت. کوه نور و غار حرا یادآور حادثه‌ای بس بزرگ و مهبط جبرئیل امین و مکان ارتباط خدا با رسول- ص- است. «مساجد و خانه‌های مکه» هر یک یادآور حضور و

ص: ۲۶

عبادت نبی اکرم- ص- است.

«مسجد عقبه» در منا محل انعقاد اوّلین پیمان در اسلام.

«مسجد جن» یادآور نزول آیات سوره جن بر رسول خدا- ص-.

«مسجد ابوبکر» مکان هجرت نور.

«خانه خدیجه» محل زندگی پیامبر- ص- و مولد فاطمه- س-.

«خانه آمنه» زادگاه او، همه و همه کوله‌باری از آثار و نشانه‌های رسول خدا- ص- را پس از قرنها بر دوش می‌کشند.

حج اسرار فراوانی دارد و یکی از آنها زنده نگاه داشتن یاد بنیانگذار مکتب توحیدی اسلام یعنی رسول گرامی- ص- است.

بایـد به یاد تلبیه او در «حـدیبیه» و زیر درخت سـمره (محل بیعت رضوان) تلبیه گفت و به عشق او به طواف حق پرداخت و علاوه بر شکر گزاری به درگاه ربوبی، زحمات طاقت‌فرسای رسول- ص- را نیز پاس داشت.

در یک کلام مکه معظمه و مشاهد مشرفه سرزمین وحی، آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبر- ص-

ص: ۲۷

است. جای‌جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنجها و مصیبتهای چندین ساله‌ای است که رسول خدا- ص- در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه و توجه به شرایط سخت و طاقت‌فرسای بعثت پیامبر- ص-، ما را به مسؤولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می‌کند، که واقعاً رسول اکرم- ص- و ائمه هدی در چه شرایط دشواری برای دین حق و امحای باطل استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمتها و اهانتها و زخم زبانهای ابولهب‌ها و ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها نهراسیدند به رغم شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابوطالب به راه خود ادامه دادند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرتها و مرارتها در سیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگهای پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی، به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگها و بیابانها و کوهها و کوچه و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام رسالت ایشان، که اگر آنها به زبان و سخن می‌آمدند و از راز و رمز تحقق «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» پرده

ص: ۲۸

برمی‌داشتند، زائران بیت اللّه الحرام در می‌یافتند که رسول خدا- ص- برای هدایت ما و نجات مسلمانان در دنیا و آخرت چه کشیده است و مسؤولیت پیروان او چقدر سنگین است.

حج و عمره‌های رسول خدا- ص-

رسول اکرم- ص- از زمان هجرت به یثرب یا مدینهٔالنبی تا هنگام مرگ تنها موفق به انجام سه عمره و یک حج تمتع گردیدند؛ زیرا مکه این سرزمین امن الهی تا هنگام فتح، در سلطه مشرکان قرار داشت و آنان اجازه انجام حج را به مسلمانان و نیز رسول خدا- ص- نمی‌دادند مگر با شرایط خاص.

اوّلین عمره پیامبر- ص- در سال هفتم هجری، در ماه ذی‌القعده صورت گرفت. این عمره پس از انعقاد صلح حدیبیه بود؛ چرا که در سال قبل رسول خدا- ص- همراه با تعدادی از صحابه و بدون داشتن سلاح برای انجام حج عازم مکه شدند و در محلی که اکنون مسجد شجره بنا گردیده در کنار درختی به نام سمره احرام بستند ولی مشرکان اجازه انجام حج ندادند و مسلمانان نیز پیمان معروف «بیعت رضوان» را در کنار آن

ص: ۲۹

درخت با رسول خدا- ص- بستند. در این هنگام نمایندگان کفار مکه برای انعقاد صلحی در همان مکان نزد پیامبر- ص- آمدند و صلح معروف حدیبیه بسته شد.

بر اساس مفاد قرارداد صلح، پیامبر- ص- در آن سال اجازه حج‌گزاری نیافت و انجام آن به سال بعد موکول شد. لذا رسول خدا- ص- قربانی، و حلق فرمودند و بازگشتند. در سال بعد در مسجد شجره یا حدیبیه محرم شدند و عمره‌ای بجا آوردند، این عمره به «عمره ناشده» معروف گشت. دومین عمره رسول خدا- ص- در سال هشتم هجری انجام شد که آن حضرت در جحفه محرم شدند، این عمره را «عمرةالقضاء» گویند. سومین عمره پیامبر- ص- سال نهم هجرت انجام شد و آن حضرت در جعرانه و هنگامی که از طائف پس از غزوه حنین بازمی‌گشتند محرم شدند.

اولین و آخرین حج تمتع رسول خدا- ص- که از مدینه انجام شد «حجةالوداع» بود که در سال دهم هجری در شجره محرم شدند و آخرین حج خویش را برگزار نمود. (۱)

۱- ابن هشام، سیرةالنبی، ج ۲، ص ۳۵۵ و ۴۲۴؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۷ و ۱۲۴ و ج ۲، ص ۱۷۲؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۷۰

ص: ۳۰

حجهٔالوداع

سـال دهم هجری بود که پیـامبر- ص- بار سـفر بربست تا راهی مکه و بیت اللَّه شود، به همان دیاری که سـیزده سال در آن به ابلاغ دعـوت توحیـدی مشـغول بود. آمـد که آخرین حـج الهی خود را به انجـام رسانـد؛ لـذا در ذی‌القعـده همـان سـال هـدف خود را به مسـلمانان اعلان کرد و رهسـپار مکه شد. رسول خدا در «مسجد شجره» یا «ابیار علی» محرم شده و روز چهارم ذی‌الحجه داخل حرم شدنـد. پس از انجـام مناسـک به سوی عرفات رفته و در مسـجد نمره خطبه‌ای طولانی ایراد فرمودنـد که متن آن در کتب معتبر ثبت شده است.

در این خطبه، رسول خدا- ص- به حفظ برادری مسـلمانان، احترام به حقوق و حفظ جان و مال یکدیگر، پرهیز از وساوس شیطانی، حرمت ربا، حفظ حقوق خانواده، احترام به شخصیت و حقوق زن، زدودن زنگارهای جاهلی از دامان جامعه اسلامی و ابطال سنتهای غلط دوران جاهلیت و مردود شمردن تمام خونهایی که در دوران جاهلیت ریخته شده و نیز رعایت حقوق اهل بیت خویش سفارش فرمودند. (۱) آنگاه هنگام

۱- «انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللَّه و عترتی.»

ص: ۳۱

بـازگشت از حجهٔالوداع، در مکـانی نزدیـک جحفـه؛ یعنی راهی که به سـوی غـدیر خم رفته و محـل تلاـقی راههـا و مسـیر حجـاج سرزمینهای مختلف مصر، عراق و مدینه بود توقف فرمودند.

توقف آن حضـرت در این مکـان بخـاطر نزول این آیـات بود: «یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسَالَتَهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ.» (۱) و (۲)

در این مکان بود که مردم را به توقف امر فرمودند. زائران بسیاری در آنجا اجتماع کرده و همگی خطبه‌ای را که رسول خدا- ص- قرائت کرد شنیدند.

آن حضرت پس از اعلان خبر مرگ قریب الوقوع خویش،

۱- مائده: ۶۷

۲- مورخان بسـیاری از اهل سـنت شأن نزول این آیات را هنگام واقعه غدیر خم دانسـته‌اند بنگرید به: بلاذری، انساب الاشراف، ابن قتیبه، المعارف و نیز الامامهٔ والسـیاسه؛ ابن زولاق اللیثی المصـری؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد؛ ابن عبد البر، الاستیعاب؛ شهرستانی، الملل و النحل؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق؛ یاقوت حموی، معجم الادباء؛ ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفهٔ الصحابه؛ ابن ابی الحدید، شرح نهـج البلاـغه؛ ابن خلکان، فوات الوفیات فی انباء ابناء الزمان؛ یافعی، مرآهٔ الجنان؛ الـذهبی، تـذکرهٔ الحفاظ؛ ابن حجر؛ تهـذیب التهذیب؛ ابن خلدون، المقدمه؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه؛ مقریزی، الخطط

ص: ۳۲

از همگان بر توحید، نبوت و معاد اقرار گرفت، و آخرین وصایای خویش را در مورد عترت و ثقلین با امت در میان نهادند؛ سرانجام دست علی بن ابیطالب-ع- را بلند کردند؛ بگونه‌ای که سپیدی زیر شانه‌هایشان آشکار شد، سپس فرمودند:

أیها الناس مَن أولی بالمؤمنین من أنفسهم؟

همگی گفتند:

اللّه و رسوله أعلم.

سپس فرمود:

انّ اللّه مولای و انا مولی المؤمنین و أنا أولی بهم من أنفسهم فمن کنت مولاه فعلیٌ مولاه.

این امر را سه بار و به گفته احمد بن حنبل چهار بار تکرار کردند.

ثم قال: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و أحبّ من أحبّه و أبغض من أبغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و أدر الحقّ معه حیث دار، ألا فلیبلّغ الشاهد الغائب.

هنوز جمعیت متفرق نشده بودند که جبرئیل این آیه را از جانب خداوند ابلاغ کرد: «الْیَوْمُ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِیناً» رسول خدا- ص- آنگاه فرمود:

اللّه أکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب برسالتی و الولایة لعلی من بعدی.

سپس قوم نزد علی-ع- رسیده و او را به مقام ولایت تبریک و تهنیت گفتند:

ص: ۳۳

بخٍّ بخٍّ لک یا ابن ابیطالب اصبحت و امسیت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنهٔ. (۱)

حسّان بن ثابت از رسول خدا- ص- اجازه خواست و اشعاری سرود:

۱- حدیث غدیر را یکصد و ده تن از صحابه، هشتاد و چهار تن از تابعین، و سیصد و شصت نفر از علمای قرون مختلف روایت کرده‌اند، این حدیث را احمد بن حنبل در المسند با ۴۰ سند؛ ابن حجر عسقلانی در الاصابه با ۲۵ سند، ابن اثیر جزری شافعی با ۸۰ سند؛ ابوسعید سجستانی با ۱۲۰ سند؛ و ابوالعلای همدانی با ۱۰۰ سند نقل کرده‌اند. همچنین نک: جزری، اسن المطالب، ص ۳؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹؛ و تاریخ الخلفاء، ص ۱۱۴؛ حموینی، فرائد السمطین؛ متقی الهندی، کنز العمال فی السنن و الاقوال، ج ۶، ص ۱۵۴؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۷۳؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۱۴؛ ابی بکر الجعابی، نزل الابرار، ص ۲۰؛ قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ص ۴۰؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۲۹۱؛ ابن ماجه، السنن، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹؛ نسائی، الخصائص، ص ۱۶؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۷۳؛ محب الدین طبری، ج ۲، ص ۱۶۹؛ خوارزمی، مناقب، ص ۹۴؛ ابن صباغ فاکهی، الفصول المهمه، ص ۲۵؛ طبری، ذخائر العقبی، ص ۶۷؛ گنجی شافعی، کفایهٔ‌الطالب، ص ۱۴؛ فخر رازی، تفسیر، ج ۳، ص ۶۳۶؛ نیشابوری، تفسیر، ج ۶، ص ۱۹۴؛ جمال الدین زرندی، جامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۵۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۰۸؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۲۰-/ ۴۴؛ شیخ مفید، الارشاد، ص ۸۳؛ حاکم حسکانی نیشابوری، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰

ص: ۳۴

و ناداهم یوم الغدیر نبیّهم بِخُمّ فاسمع بالرسول منادیا

و قال من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه (۱)

کعبه محور آزادی و مطاف آزادیخواهان

«جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرَامَ قِیَاماً لِلنَّاسِ.» (۲)

«کعبه»؛ اولین و قدیمی‌ترین معبد مردمی و عبادتگاه توده انسانها بر روی زمین است که خداوند آنرا «بیت عتیق» یعنی رها شده از بندگی و تملک اشخاص نامیده است. کعبه محل قیام، عبادت، محور مقاومت، پایداری و مرکز ایستادگی توده انسانها برای امتثال دستور حق و ستیز با باطل است. از آنجا که کعبه از مالکیت انسانها آزاد و رهاست لذا باید مطاف آزادیخواهان باشد، مطاف کسانی باشد که جز خداوند طوع انقیاد کسی را بر گردن نمی‌نهند، خود را از قدرتهای ظاهری و دنیوی و نیز تمایلات فردی و نفسانی رها ساخته و در کمال

۱- سید رضی، الخصائص الائمه، ص ۴۲؛ ابن جوزی، تذکرهٔ خواص الامه، ص ۲۰

۲- مائده: ۹۷

ص: ۳۵

آزادی به پرستش خدای یکتا و طواف بر حول محور رها شده از اسارت بندگان می‌پردازند. کعبه در قرآن کریم به عنوان بیت عتیق و به عنوان خانه‌ای که تحت تملك و سلطه احدی نبوده و در گستره تاریخ از تطاول طاغوتیان مصون مانده و از اختصاص به شخص یا گروه یا قوم و نژاد و دولت و حکومت آزاد بوده و هست و خواهد بود بدینگونه معرفی شده است تا بندگان حق، آزادانه بر گرد آن طواف کنند: «وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ.» (۱)

مناسک حج از دیدگاه مذاهب اسلامی

حج، یعنی زیارت خانه خدا و انجام اعمال مربوط به آن، یکی از فروع دین و واجبات الهی است که بر مکلف، عاقل، آزاد و مستطیع واجب است آن را انجام دهد. زیارت بیت اللّه به دو گونه انجام می‌شود: ۱- حج تمتع یا حجةالاسلام ۲- عمره تمتع.

حج بر سه قسم است: ۱- حج تمتع ۲- حج قران ۳- حج افراد

۱- حج: ۲۹

ص: ۳۶

حج تمتع؛ به این معناست که حاجی اعمال عمره را در ماههای حج انجام دهد و بعد از فراغ از عمره، برای حج تمتع احرام ببندد. این که آن را حج تمتع می‌نامند از این روست که حاجی در بین عمره تمتع و حج، از آنچه بر او حرام بوده بهره‌مند می‌شود.

حج افراد؛ آن است که حاجی ابتدا اعمال حج را انجام داده و سپس احرام عمره مفرده می‌بندد و اعمال آن را هم بجا می‌آورد. حج افراد و عمره مفرده از یکدیگر جدا هستند.

حج قران؛ آن است که حاجی برای حج و عمره یک احرام ببندد بطوری که اعمال عمره را در حج داخل کند؛ یعنی یک نیت برای هر دو کافی است. (۱) برای انجام حج و ورود به حرم امن الهی، مکه مکرمه، باید احرام بسته و تلبیه گفت. احرام حج و عمره تمتع باید در ماههای حج یعنی شوال، ذی‌قعده و ذی‌حجه بسته شود. (۲)

۱- شیعه امامیه در مورد حج قران معتقد است که حج قران و افراد یکی هستند و تنها از یک جهت باهم فرق دارند و آن اینکه هر کس به حج قران احرام بسته باشد چنانچه همراه خود قربانی بیاورد بایـد آن را ذبح کند بنابر این حج قران همان افراد است منتهی چون قربانی را با احرامش مقارن کرده به آن قران گفته‌اند

۲- از میان فقهای مذاهب، ابوحنیفه و سفیان ثوری معتقدند در ماههای دیگر نیز می‌توان منعقد کرد شرح فتح الغدیر، ج ۲، ص ۱۳۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۳۱ مذاهب اربعه احرام را رکن نمی‌دانند ولی شیعه آنرا رکن می‌داند

ص: ۳۷

تمام فقهای مـذاهب خمسه معتقدند چنانچه در وقت احرام، آب موجود نباشد غسل ساقط است ولی در مورد تیمم بدل از غسل بین مذاهب اسـلامی اختلاف است. (۱) پوشـیدن سـر برای مرد محرم جایز نیست. (۲) زنی که احرام بسـته جایز نیست تمام یا قسـمتی از صورت خود را بوسیله نقاب یاماننـد آن که به صورت می‌چسبد بپوشانـد. (۳) تمامی مذاهب اسـلامی پوشـیدن لباس دوخته برای مردان را حرام ولی برای زنـان جـایز می‌داننـد. انگشتر بـدست کردن برای زینت در حـال احرام و نگاه کردن در آئینه بر محرم حرام است و نیز ناخن گرفتن و ازاله مو از بدن به هنگام احرام تا قبل

۱- مالکیان و حنفیان تیمم بدل از غسل را مشروع نمی‌دانند ولی شافعیان و حنابله و بعضی از فقهای امامیه جایز دانسته‌اند الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۲۱۲-/ ۲۱۱

۲- امامیه، شافعیان و بقیه مـذاهب تسـنن به عدم وجوب باز بودن صورت مردان در حال احرام فتوا داده‌اند ولی ابوحنیفه و مالک بن انس به وجوب باز بودن آن رأی داده‌اند. بدایع الصنایع، ج ۲، ص ۱۸۵

۳- امامیه انداختن مقنعه و مانند آن به صورت به طوری که تا مقابل بینی قرار بگیرد را جایز دانسته و بیشتر از آن کفاره دارد

ص: ۳۸

از قربانی جایز نیست.

استعمال بوی خوش به هر شکلی بر محرم حرام است و سرمه کشیدن نیز همین حکم را دارد. (۱) عقد کردن زن بوسیله مرد مُحرم، چه برای خود و چه برای دیگری، در حال احرام جایز نیست، (۲) همچنین فقها حجامت را در حال ضرورت جایز می‌دانند ولی در غیر ضرورت اختلاف دارند.

طواف زیارت یکی از واجبات و ارکان حج است که باید هفت شوط یا هفت دور انجام شود و در صورت ترک، حج باطل خواهد شد. (۳) برای طواف، طهارت از حدث اکبر و اصغر شرط واجب است و طواف جنب، حائض، نفساء و بی‌وضو باطل است. (۴) همچنین طهارت بدن و لباس به هنگام انجام طواف

۱- ابن ادریس شافعی گاهی به کراهت و گاهی به جواز فتوا داده است در صورتی که بوی خوش نداشته باشد

۲- در میان مذاهب، حنفیان و ثوریه به جواز آن رأی داده‌اند و امامیه شهادت بر عقد را نیز جایز نمی‌داند

۳- شیعه امامیه طواف نساء را نیز واجب می‌داند ولی سایر مذاهب واجب نمی‌دانند

۴- حنفیان به طهارت فتوا نداده و معتقدند بدون طهارت صحیح است ولی کفاره دارد

ص: ۳۹

واجب است. (۱) طواف کعبه بایـد از حجرالاسود شـروع و به همانجا ختم شود. هر یک از طواف که بدین گونه انجام شود را یک شوط گوینـد که باید هفت شوط طواف نمود. هنگام طواف، خانه باید در سـمت چپ واقع شود و حجر اسـماعیل را نباید داخل در طواف کرد. همچنین طواف داخل بیت یا روی دیوار حجر و شاذروان کعبه و آنچه جزو خانه است صحیح نیست.

طواف باید در مسجدالحرام انجام شود ولی در مکان و محدوده آن اختلاف است. (۲) موالات در طواف مورد اتفاق مذاهب است. (۳) پس از انجـام طواف واجب، بایـد نماز طواف را که دو رکعت و ماننـد نماز صـبح است بجای آورد. (۴) مکان آن نیز بایـد به احتیاط واجب پشت مقام ابراهیم بجا آورده شود و

۱- حنفیان آن را سنت مؤکده می‌دانند

۲- فقهـای حنبلی، مـالکی و شـافعی طـواف را در هر جـای مسـجدالحرام جـایز می‌داننـد القوانین الفقهیه، ص ۸۹ ولی فقهـای امامیه طواف را بین مقـام ابراهیم-ع- و خـانه کعبه صـحیح می‌داننـد یعنی بایـد هنگـام طواف مقـام را از مطـاف خـارج نمود و در تمامی جوانب حدود مقام یعنی ۱۲ متر را باید حفظ کند و از آن خارج نشود

۳- امامیه، مالکیان و حنابله به موالات هفت شوط طواف رأی داده‌انـد یعنی نباید بین آنها فاصله بیفتد ولی حنفیان و شافعیان آن را سنت می‌دانند

۴- تمامی مذاهب جز شافعیان و حنابله به وجوب نماز طواف رأی داده‌اند الوجیز، ج ۱، ص ۱۱۸؛ نیل الاوطار، ج ۱، ص ۱۳۴

ص: ۴۰

اگر پشت مقـام امکـان نـداشت در هر یک از دو طرف بخواننـد کافی است و در غیر این صورت در هر جای مسـجدالحرام بخوانند مانعی ندارد.

پس از انجام نماز طواف باید به سعی بین صفا و مروه پرداخت که هفت بار انجام می‌شود و از واجبات حج است.

بعضـی آن را رکن می‌دانند (۱) و بعضـی واجب غیر رکنی دانسـته‌اند. سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود. (۲) پس از انجام سعی صـفا و مروه که در بخشـی از آن هروله می‌کننـد بایـد تقصـیر انجام داد. تقصـیر کوتاه کردن مقـداری از موی سـر یا شارب یا ریش و یا چیـدن ناخن است که یکی از واجبات حج به شـمار می‌رود ولی به اتفاق جمیع فقها رکن نیست (۳) پس از انجام تقصیر، حاجی از احرام خارج می‌شود.

۱- امامیه، شافعیان و حنابله از آن دسـته هستند بدایهٔ المجتهد، ج ۱، ص ۳۳۲ ولی حنفیان آن را واجب غیر رکنی می‌دانند که ترک آن با دو قربانی جبران می‌شود

۲- ابوحنیفه ترتیب را شرط نمی‌داند لذا به فتوای وی می‌توان از مروه آغاز و به صفا ختم کرد

۳- به فتوای احمـد بن حنبل یا بایـد تمام سـر را حلق نمایـد یعنی بتراشـد و یا آنرا تقصـیر کند الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۲۴۱ ابوحنیفه معتقد است چنانچه ۱۴ سـر حلق شود کافی است. شافعی در تقصـیر، کندن سه رشـته مو را هـم کافی می‌داند اما وظیفه زن تقصیر است نه حلق. امامیه تراشیدن یا چیدن مقداری از موی سر، شارب و یا ناخن را کافی می‌داند

ص: ۴۱

انجـام مناسـک حـج تمتع از روز نهم ذی‌الحجه آغـاز می گردد که ابتـدا بایـد حاجی خود را در این روز به عرفه رسانـده و در آنجا وقوف نمایـد. همه فقهای مـذاهب، وقوف در عرفه را از ارکان حج می‌دانند. بعضـی از مذاهب در ابتدا یا انتهای آن اختلاف دارند. (۱) پس از انجام وقوف در عرفات باید به سوی مزدلفه حرکت کرد و در آنجا وقوف نمود. وقوف در مزدلفه از واجبات حج است. (۲) بعضی از مذاهب بیتوته کردن در مزدلفه را در شب عید، واجب دانسته‌اند. (۳) وقوف به مشعرالحرام باید بعد

۱- امـامیه وقـوف اختیـاری آن را زوال شـمس روز نهـم تـا غروب آفتـاب همـان روز می‌داننـد ولی تـا طلـوع فجر روز دهم وقـوف اضـطراری آن محسوب می‌شود. امـا به فتوای حنفیـان و مالکیان و شافعیان، وقت آن از زوال شـمس روز نهم تا طلوع فجر روز دهم می‌باشد. حنابله از طلوع فجر روز نهم تا طلوع فجر روز دهم را زمان وقوف می‌دانند. الفتح الربانی، ج ۱۲، ص ۱۲۱

۲- امـامیه آن را واجب رکنی می‌دانـد ولی بقیه مـذاهب واجب غیر رکنی دانسـته‌اند که در صورت ترک بـا کفـاره می‌توان جـبران نمود. القوانین الفقهیه، ص ۸۷

۳- حنفیان، شافعیان، حنابله از آن دسته‌اند ولی امامیه و مالکیان آن را واجب نمی‌دانند

ص: ۴۲

از طلوع فجر روز دهم تا طلوع خورشید باشـد. (۱) پس از طلوع خورشـید حاجیان در سـرزمین منا توقف می‌کنند تا به انجام اعمال آن بپردازند. یکی از اعمال واجب در منا رمی جمره‌های ثلاثه، قربانی، حلق و یا تقصـیر است. در مورد زمان انجام رمی جمره عقبه، میان مذاهب اسـلامی اختلاف است. (۲) رمی جمره عقبه، در روز عیـد قربان، بایـد با هفت سـنگ یعنی هفت بار انجام گیرد و باید همه آنها به جمره اصابت کنـد و رمی کننده نسبت به این امر یقین حاصل نماید. (۳) سنگریزه‌ها باید از جنس سنگ (۴) و نیز بکر باشند. (۵) پس از انجـام رمی جمره عقبه به اتفاق تمامی فقها، بر کسـی که حـج تمتع بجای می‌آورد ذبـح هـدی و یا قربانی واجب است که باید از انعام سه‌گانه (شتر،

۱- امامیه آن را واجب رکنی و حنفیه غیر رکنی و بقیه مستحب می‌دانند

۲- همه مـذاهب رمی جمره عقبه را پس از طلوع فجر مجاز می‌داننـد مگر برای کسانی که عـذر شـرعی دارنـد ولی شافعیان به جواز رمی قبل از طلوع فجر رأی داده‌اند. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۵۰

۳- امامیه پرتاب آن را بـدون نیت صـحیح نمی‌داند. آنها و نیز شافعیان گویند سـنگها باید پرتاب شود، ولی حنفیان می‌گویند اگر به جمره اصابت کند ولو آنها را روی آن بگذارند کافی است

۴- حنفیان هر چیزی را که از جنس زمین باشد صحیح می‌دانند. المبسوط، ج ۴، ص ۶۶

۵- شافعیان آن را شرط نمی‌دانند

ص: ۴۳

گاو، گوسفند) و سالم و بدون عیب باشد. (۱) بیتوته در منا پس از انجام اعمال روز عید، یعنی شبهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم (لیالی تشریق) را بعضی واجب و بعضی مستحب دانسته‌اند (۲) ولی به اتفاق تمامی فقها، حاجیان باید در روزهای تشریق، جمرات ثلاثه را، رمی کنند. پس از انجام مناسک، حاجی می‌تواند روز عید به مکه برگردد و اعمال واجب مکه را انجام دهد. این اعمال به فتوای امامیه عبارتند از:

۱- طواف ۲- نماز طواف ۳- سعی ۴- طواف‌نساء ۵- نماز طواف نساء.

سایر مذاهب تنها طواف زیارت را لازم می‌دانند. در آخرین مرحله باید به طواف وداع پرداخت و مراسم را به پایان برد.

مسؤولیت حکومت اسلامی درباره حج

مسأله سرپرستی حجاج و امیرالحاج بودن و تعیین کسی

۱- حنابله و حنفیان و امامیه قربانی کردن را قبل از روز دهم عید قربان جایز نمی‌دانند. امامیه مکان آن را منا و بقیه مذاهب در تمامی حرم جایز می‌دانند

۲- امامیه و مالکیان آن را مستحب می‌دانند الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۲۳۰ ولی حنفیان و حنابله آن را برای غیر ساکن مکه واجب دانسته‌اند

ص: ۴۴

که سرپرستی زائران خانه خدا را به عهده داشته و هماهنگ کننده اعمال و مناسک آنان باشد، یکی از وظایف حکومت اسلامی است که بنیانگذار آن رسول خدا- ص- بوده‌اند. در سال نهم هجرت، رسول خدا- ص- ابتدا ابوبکر را به عنوان امیرالحاج مسلمانان و برای ابلاغ سوره برائت اعزام فرمود ولی بلافاصله علی- ع- را برای انجام حج و ابلاغ سوره برائت در میان حجاج بیت اللَّه به جای وی اعزام داشتند. از این هنگام به بعد کسی از جانب خلفا و والیان حکومت اسلامی برای پیشوایی مسلمانان در ایام حج به عنوان نماینده رسمی مقام حکومت و رهبری و خلافت در مراسم حج اعزام می‌شد تا هدایت فکری، سیاسی و معنوی زائران را بر عهده داشته باشد. در دوران خلافت و حکومت علی- ع- (در سال ۳۷) «عبداللَّه بن عباس» به مدت سه سال از جانب ایشان سرپرستی حجاج را بر عهده داشت و از طرف دیگر نیز معاویه فرد دیگری را بنام یزید بن شجره رهاوی به این عنوان اعزام داشت. (۱) در این دوران «قُثم بن عباس» نیز یکسال از جانب علی- ع- سرپرستی حجاج را بر عهده گرفت، در دوران خلفای اموی و عباسی گاهی خلفا خود

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲

ص: ۴۵

امیرالحاج شـده و گاهی کسانی را مأمور این امر می‌ساختنـد. در حقیقت بایـد گفت تلاش برای به دست گرفتن مسـئولیت اقامه حج امری سیاسـی بود که نه تنهـا حکومتهـا و خلفـا نسـبت به آن ادّعـا داشـته‌اند بلکه مخالفـان حکومتهـا و خلفـا نیز به این اقـدام دسـت می‌زدنـد؛ از جمله «ابوالسـرایا» در شـورش خـود علیه حکومت وقت، «ابن افطس» علوی از فرزنـدان علی بن الحسـین-ع- را به مکه فرسـتاد تا ضـمن تصـرف شـهر، برای مردم حـج را هم اقامه کند. در حقیقت باید گفت حج به عنوان یکی از ارکان و واجبات دین، مسـؤولیت عظیمی است که بر دوش حکومت اسـلامی قرار گرفته و بر اسـاس سـنت پیـامبر- ص- بایـد از جـانب حکومت اسـلامی نماینده‌ای به عنوان سرپرست حجاج جهت هماهنگی اعمال و مناسک و استفاده از ابعاد سیاسی حج اعزام گردد.

فلسفه اعلام برائت از مشرکان

«بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ ...» (۱) «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۱- توبه: ۱

ص: ۴۶

وَرَسُولُهُ ...» (۱)

در دهم ذی حجه سال نهم هجرت، خداوند متعال با نزول آیات سوره توبه، خشم و انزجار خویش را از کفار و مشرکان اعلام داشته و پیامبرش را مأمور ابلاغ این انزجار فرمود.

هنگامی که آیات سوره توبه یا برائت نازل شد، رسول اکرم- ص- ابتدا برای ابلاغ آن خشم الهی، ابوبکر بن ابوقحافه را به سوی مکه اعزام داشت لیکن بلا- فاصله بدستور خداوند متعال، یکی از اهل بیت خویش یعنی علی بن ابی طالب- ع- را مأمور این امر ساخت و علی- ع- مأمور شد تا آن را از ابوبکر گرفته و خود ابلاغ کند؛ وقتی از رسول- ص- علت این امر سؤال شد فرمودند: «انّه لا یؤدی عنّی الّا رجل من اهل بیتی.» (۲)

علی- ع- نیز به ندای حق و رسولش لبیک گفته و پیام توحید یعنی انزجار و برائت از مشرکان و کافران شبه جزیره را در سرزمین منا و در عید قربان یعنی روزی که به تعبیر قرآن «یوم الحج الاکبر» نامیده شد ابلاغ نمود. از این روی بر اساس

۱- توبه: ۳

۲- بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۰۷؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۹۰؛ ابن هشام، سیرة النبی، ج ۲، ص ۵۴۴

ص: ۴۷

کتاب الهی و سنت نبی اکرم- ص-، اعلام برائت از مشرکان یکی از سنتهای مؤکدی است که باید در مکان آن یعنی حرم امن الهی و زمان آن یعنی ماه ذی‌الحجه و در مراسم حج انجام شود. در آن سرزمین باید با انجام این سنتِ رسول- ص- خشم و غضب کفار و مشرکان را برانگیخت زیرا خداوند فرموده است: «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارِ.» (۱)

باید دشمنان خداوند؛ یعنی مشرکان، کسانی که به قدرتهای دنیوی و استکباری جهان متکی بوده و به جای اتکاء به خداوند دست نیاز به سوی آنان دراز می‌کنند را مورد هراس و وحشت قرار داد (تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ.) (۲)

خداوند بر مسلمانان واجب کرده است که نسبت به کفار خشونت و شدت عمل بخرج داده و نسبت به مسلمانان رحیم باشند (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.) (۳)

همچنین خداوند آنان را از سازش با دشمنان و کفار برحذر داشته است (وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ.) (۴)

۱- فتح: ۲۹

۲- انفاق: ۶۰

۳- فتح: ۲۹

۴- قلم: ۹

ص: ۴۸

اعلام برائت از مشرکان علاوه بر آن که یک اهمیت و ضرورت دینی است، به حج ارزش و روح و به مسلمانان عزت و شجاعت و برای دشمنان رعب و وحشت و هراس به ارمغان می‌آورد.

به فرموده آن زعیم بزرگ اعلان برائت از مشرکان با این وصف، از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و بیت اللّه است که در آن بتوان به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی است پشت کرد و در تجدید میثاق «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» بت الهه‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر- ص- در «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» را زنده نگه داشت چرا که سنت پیامبر- ص- و اعلان برائت، کهنه شدنی نیست و مسلمانان باید فضای گیتی را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند. مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان هم دستورالعمل جهاد با نفس را و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را فرا گیرند.

ص: ۴۹

ابعاد عرفانی و درونی مناسک حج

مناسک حج، ابعاد مختلفی دارد؛ ابعاد اجتماعی، عرفانی، سیاسی و ... آنچه برای یک زائر نقش سازندگی و تحول دارد، ابعاد عرفانی حج و اسرار درونی و رازهای عرفانی نهفته در حج است.

یک زائر با انجام صحیح مناسک حج، به مقام و رتبه حج‌گزار نائل می‌آید و یکی از واجبات الهی خود را به انجام می‌رساند لیکن اگر تنها به انجام صوری و ظاهری مناسک بسنده کند و در پی اسرار درونی و عرفانی آن نباشد، حج او سازنده و تحول‌آفرین نخواهد بود و تأثیری در روح و جان او نخواهد گذاشت که «ما أکثر الضجیج و أقلّ الحجیج.» آری ابعاد عرفانی حج فراوان بوده و در روایات و احادیث بدان اشاره شده است.

حرکت به سوی سرزمین وحی، برای انجام حج شرائط و آدابی دارد؛ از جمله این که زائر هنگام «عزیمت» باید دل خویش را از هر مانع و مشغله‌ای رها سازد و در همه حرکات و سکنات خود تسلیم فرمان الهی بوده و به او توکل داشته باشد.

با بستن «احرام»، آنچه که او را از یاد خدا غافل می‌سازد

ص: ۵۰

و از طاعت الهی باز می‌دارد را بر خود حرام کند.

با ذکر «تلبیه» دعوت خداوند را خالصانه اجابت کند.

هنگامی که به «طواف» می‌پردازد گویی همراه فرشتگان بر گرد عرش خدا طواف می‌کند. پس بنگرد که بر کعبه محور بندگی می‌چرخد.

با «هروله» باید از خطاها و هواهای نفس بگریزد و از آنها تبرّی بجوید.

با حرکت به سوی «منا» باید از غفلت و لغزش بیرون آید.

«عرفات» جای اعتراف است، اعتراف به خطاهای گذشته و نیز جای شناخت است، شناخت خداوند و خویش.

در «مزدلفه» باید به خداوند تقرب جست و با وحدانیت تجدید عهد نمود.

در صعود به کوههای «مشعر» برای جمع‌آوری سنگ‌ریزه‌ها، باید روح را به ملکوت الهی پیوند داد و بالا برد، سلاح برگرفت و مسلح بود تا با وساوس شیطانی مبارزه کرد.

در هنگام «قربانی» باید هواهای نفسانی و حلقوم طمع را برید.

در «رمی جمرات» باید شهوات و پستی‌ها وخودپسندی‌ها را از خویش راند و وساوس شیطانی را مورد هجوم قرار داد.

ص: ۵۱

در هنگام «حلق» باید عیبهای نهان و آشکار و زشتی‌ها و پلیدی‌ها را زدود.

در بازگشت به «حرم» باید به پناه خداوند داخل شد و به خود آمد و با صاحب بیت تجدید عهد نمود.

با «استلام حجر» با خداوند بیعت کرد.

و با ایستادن بر «صفا» روح و جان و ضمیر را تصفیه و در سعی بین صفا و مروه برای رسیدن به خداوند و تقرب به او تلاش نمود.

اگر زائری این مناسک را با ابعاد درونی آن تطبیق دهد و به آن توجه نماید حج او یک حج سازنده و نقش آفرین خواهد بود.

دعا و توبه در حج

«أُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» (۱) «وَتُوبُوا الَی اللَّهِ جَمِیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ.» (۲)

از جایگاهها و اماکن مهم برای نزدیک شدن به خدا و دعا و توبه، سرزمین وحی است. در روایات، سفارشات مؤکدی بر

۱- غافر: ۶۰

۲- نور: ۳۱

ص: ۵۲

«دعا» در کنار کعبه، مسجدالحرام، منا، عرفات و ... و نیز توبه در این سرزمین شده است و یکی از اسرار حج، نزدیکی بندگان در آن نقطه و مکان به خداوند است. حضرت حق، خود در جای جای قرآن بندگان خویش را به ارتباط با خود و دعا فرا خوانده و خود نیز ضامن استجابت آن شده است. رسول گرامی- ص- نیز فرموده‌اند: «الدعا مخُّ العبادة» و جن و انس نیز جز برای عبادت خلق نشده‌اند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ.» (۱)

دعا خواستن است، خواستنِ چیزی از خدا. برای آن که دعا مقرون به اجابت گردد، شرایط و مقدماتی دارد. چه بسا اگر مقدمات و شرایط مهیا شد، با گفتن چند یا رب، خداوند به بنده خویش لبیک گوید؛ چنانکه در محضر رسول خدا- ص- یک اعرابی بیابانگرد از عمق وجود، ذکر «یا رب» می‌گفت و رسول خدا- ص- به او فرمود: نمی‌شنوی که خداوند به تو لبیک می‌گوید؟ هر چه می‌خواهی از او بگیر.

از شرایط دعا که می‌توان برای اجابت آن لازم دانست چنین است:

۱- ذاریات: ۵۶

ص: ۵۳

۱- شناخت خداوند و ایمان قلبی به او ۲- ایمان به رسول خدا- ص- ۳- اخلاص (فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ) (۱)

۴- عبودیت (إِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ ...) (۲)

۵- هماهنگی دل و زبان ۶- حسن ظن به خدا ۷- یقین به اجابت

(قال رسول اللَّه- ص-: ادعوا اللَّه و أنتم موتون بالاجابه)

۸- دعا همراه با عمل ۹- اطاعت اوامر و نواهی خداوند (أَوْفُوا بِعَهْدِی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ) (۳)

۱۰- انتخاب زمان (روز عرفه، عید فطر و قربان) ۱۱- انتخاب مکان (زیر ناودان طلا، نزد کعبه، کنار چاه زمزم، سرزمین عرفات، کنار مستجار در رکن کعبه، کنار رکن یمانی، در مسجدالنبی- ص- و روضهٔالنبی- ص-.)

و از آداب دعا است:

۱- شروع با اسم «اللَّه» ۲- صلوات بر پیامبر و آل او ۳- الحاح و اصرار در دعا ۴- اجتماع در دعا ۵- ذکر حاجات ۶- بلند کردن دست با خضوع ۷- بیمناک بودن در دعا ۸- درخواست با خضوع و رقت قلب ۹- گریه به هنگام دعا.

۱- غافر: ۱۴

۲- بقره: ۱۸۶

۳- بقره: ۴۰

ص: ۵۴

و اما صحرای عرفات؛ روز عرفه، مکان و زمانی است که توبه در آن پذیرفته می‌شود لیکن توبه نیز شرایط و آدابی دارد که بدان اشاره می‌شود:

۱- گناهی که برای آن توبه می‌شود، از روی جهل و نادانی انجام شده باشد نه با آگاهی و لجاجت؛ «إِنَّمَا التَّوْبَهُ عَلَی اللَّهِ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَهٍ.» (۱)

۲- فوراً پشیمان شده و توبه کند؛ «ثُمَّ یَتُوبُونَ مِنْ قَرِیبٍ.» (۲)

۳- به گناه اعتراف داشته باشد؛ «وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ.» (۳)

۴- تصمیم جدّی بر ترک آن داشته باشد؛ «تُوبُوا الَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً.» (۴)

۵- گذشته را جبران کند؛ «إِلَّا الاذِینَ تَابُوا وَأَصْلِحُوا.» (۵)

علی- ع- در نهج البلاغه (۶) کاملترین توبه و شرایط آن را چنین بیان می‌فرماید:

۱- نساء: ۱۷نساء: ۱۷

۲- نساء: ۱۷

۳- توبه: ۱۰۲

۴- تحریم: ۸

۵- آل عمران: ۸۹

۶- حکمت شماره ۴۱۷

ص: ۵۵

۱- الندم علی ما مضـی ۲- العزم علی ترک العود الیه ابـدا ۳- ان تـؤدی الی المخلوقین حقوقهم ۴- ان تعمـد الی کل فریضهٔ علیک ضیّعتها فتؤدی حقها ۵- ان تعمد الی اللحم الذی نبت علی السحت فتذیبه بالاحزان حتی تلصق الجلد بالعظم و ینشأ بینهما لحم جدید ۶- ان تذیق الجسم الم الطاعهٔ کما اذقته حلاوهٔ المعصیهٔ فعند ذلک تقول استغفر اللَّه.

۱- پشیمانی بر گذشته ۲- عزم به ترک بازگشت ۳- آنکه حقوق مردم را به آنـان بپردازی ۴- حق هر واجبی را که ضایع ساخته‌ای ادا سازی ۵- گوشتی را که از حرام روییده است با اندوهها آب کن چندانکه پوست به استخوان چسبیده و میان آن دو گوشتی تازه روید ۶- درد طاعت را به تن بچشانی چنانکه شیرینی معصیت را و آنگاه بتوانی استغفر اللَّه بگویی.

اهمیت مسجدالنبی وزیارت رسول خدا- ص- در مدینه

«... لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلَ یَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِیهِ، فِیهِ رِجَالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُطَّهِّرِینَ.» (۱)

بعضی از مفسران، شأن نزول این آیه را، بر اساس روایاتی

۱- توبه: ۱۰۷

ص: ۵۶

از رسول خـدا- ص-، مسـجدالنبی- ص- دانسـته‌اند و عـده‌ای نیز معتقدنـد که در مورد مسـجد قبا است که اولین مسـجد در اسـلام است. و بعضی نیز شأن نزول آن را مشترک بین هر دو ذکر کرده‌اند.

مسجدالنبی- ص- از مساجد بسیار با فضیلت و افضل مساجد عالم پس از مسجدالحرام است.

در این مسجد فضائل و ارزشهای خاصی جمع شده که آن را پس از مسجدالحرام با اهمیت‌ترین مساجد نموده است؛ از جمله:

۱- معمار و سازنده آن شـخص رسول خدا- ص- است که ایشان با دسـتهای مبارک خود به همراه یاران و صـحابه دیوارهای آن را برافراشتند ۲- اولین مسـجد در مدینه است که بدست رسول خدا- ص- و صـحابه بزرگواری چون علی- ع-، عمار بن یاسر، مقداد، سلمان و ... بنا شد ۳- نمازگاه، محل سـکونت و عبادت رسول خدا- ص- بود ۴- مهبط جبرئیل امین و جایگاه وحی سـرمدی است ۵- محل صـدور اولین فرمان برای جنگ با مشـرکان است ۶- مکـان انعقـاد پیمان اخوت میان مهاجر و انصار است ۷- روضهٔ‌النبی- ص- و بهترین مکان روی زمین که به فاصله بین منبر و محراب پیامبر- ص- گفته

ص: ۵۷

می‌شود در این مسجد قرار دارد ۸- ستونهایی که سقف آن را استوار ساخته‌اند هر یک دارای فضیلت و تقدس و سابقه‌ای ویژه در تاریخ اسلام هستند و آیات فراوانی؛ از جمله آیات توبه برای پذیرش توبه ابولبابه و ... در کنار این ستونها نازل شده است ۹- محراب و سجده گاه و منبر رسول خدا- ص- و محل نماز شب آن حضرت در این مسجد است ۱۰- خانه فاطمه دختر رسول خدا، همسر علی- ع- در آن قرار دارد ۱۱- بالاتر از همه، محل دفن پیکر مطهر و منوّر ختم رسولان و دختر بزرگوار او (احتمالًا) در این مسجد است که تمامی این امتیازات، بیانگر اهمیت و فضیلت مسجدالنبی- ص- است.

در مورد فضیلت این مسجد و ثواب و استحباب زیارت قبر رسول خدا- ص- در مدینه روایاتی در کتب معتبر اهل سنت، از پیامبر- ص- نقل شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- عن عبداللَّه بن عمر، قال رسول اللَّه- ص-: «من زار قبری وجبت له شفاعتی.» (۱)

۱- ابو بشر محمد الرازی الدولابی، الکنی و الاسماء، ج ۲، ص ۶۴؛ ماوردی، احکام السلطانیه، ص ۱۰۵؛ بیهقی، السنن الکبری؛ فاسی المکی، المدخل، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ابن عدی، الکامل؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۹۰

ص: ۵۸

۲- «من جاءنی زائراً (لا- تحمله) الّا زیارتی کان حق علیّ أن أکون شفیعاً یوم القیامهٔ.» (۱) ۳- «من حجَّ فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی.» (۲) ۴- «من حج البیت و لم یزرنی فقد جفانی.» (۳) ۵- «من زارنی بعد موتی فکأنما زارنی فی حیاتی.» (۴) ۶- «الصلوهٔ فی مسجدی هذا خیرٌ من ألف صلوهٔ فی غیر مسجدی الّا المسجدالحرام.» (۵) ۷- «مسجدی هذا هی المسجد الذی أسس علی

۱- ابن سکن بغدادی، السنن الصحاح [باب ثواب من زار قبر النبی- ص-]؛ تقی الدین سبکی، شفاء السقام، ص ۱۳

۲- هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲؛ ابن عدی، الکامل؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۶؛ سمهودی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۳۹۷

۳- شوکانی، نیل الاوطار، ج ۴، ص ۳۲۵؛ جراحی العجلونی، کشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۷۸؛ ابن عدی، الکامل

۴- شیخ شعیب عبداللّه المصری الحریفیش، الروض الفائق، ج ۲، ص ۱۳۷؛ جلال الدین سیوطی، الجامع الکبیر، ج ۸، ص ۹۹؛ دمیاطی، مصباح الظلام، ج ۲، ص ۱۴۴

۵- بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۵۷؛ مسلم، صحیح [حدیث شماره ۸۲۷]؛ ترمذی، سنن [حدیث ۳۲۶]

ص: ۵۹

التقوی.» (۱) ۸- «ما بین بیتی و منبری روضهٔ من ریاض الجنهٔ.» (۲) ۹- «من زار قبری کنت له شفیعاً أو شهیداً و من مات فی أحد الحرمین بعثه اللّه عزوجل فی الآمنین یوم القیامهٔ.» (۳) شایان گفتن است که مکتب وهابیت با استناد به حدیث شدّالرحال، زیارت قبر رسول خدا و سفر به قصد زیارت قبر و شفاعت خواهی از رسول خدا- ص- را جایز نمی‌داند.

لزوم شرکت در جماعات مسلمین

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَلَا تَفَرَّقُوا.» (۴)

خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به اتحاد و عدم تفرقه فرا می‌خواند. بر این اساس رسول گرامی اسلام اولین اقدامی که پس از ورود به مدینه انجام داد «پیمان مؤاخاهٔ» و برادری میان

۱- مسلم، صحیح، ح ۱۳۹۸؛ ترمذی، سنن، ح ۳۰۹۸

۲- ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۲۹

۳- بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۵؛ سمهودی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۳۹۹؛ ابوالعباس قسطلانی، المواهب اللدنیه

۴- آل عمران: ۱۰۳

ص: ۶۰

مسلمانان (مهاجر و انصار) بود.

از آن عصر تا کنون یکی از مظاهر این وحدت و اتحاد، انجام مشترک نمازهای یومیه و سایر عبادات بوده و هست که به عنوان نماز جماعت یا نماز جمعه از آن یاد می‌شود. ذات لایزال الهی به منظور قدرت بخشیدن و عظمت دادن به امت اسلام این عبادات را به صورت اجتماع قرار داده که بالاترین این اجتماعات حج بیت اللّٰه الحرام است و اجتماع در اجتماع یعنی انجام نماز جماعت در این اجتماع عظیم فوائد و نتایج فراوانی بدنبال خواهد داشت.

مسلمانان در این اجتماع باشکوه، از هر ملت و نژاد و هر جنس و رنگ و تیره و قبیله و ... هنگام بلند شدنِ صدای اذان، برای انجام این واجب الهی به مساجد هجوم آورده و برادران دینی و ایمانی در کنار یکدیگر و در یک صف واحد به اقامه نماز می‌پردازند. آنان در این جا به یکدیگر نزدیک شده و قلبهایشان به همدیگر متصل می‌گردد. از مصائب و رنجها و خوشیها و شادیهای یکدیگر مطلع می‌گردند و این نیز یکی از فواید مهم شرکت در جماعات مسلمین است. افزون بر این، تمامی فِرَق و مذاهب اسلامی بر انجام نمازهای یومیه بصورت جماعت و نیز نماز جمعه تأکید داشته و بر اساس روایات و

ص: ۶۱

سنت رسول اللّٰه ثواب فراوانی برای آن قائل شده‌اند.

آشنایی با فرق و مذاهب مشهور اسلامی

اشاره

پس از رسول خدا- ص- امت اسلامی چنانکه آن حضرت پیش‌بینی فرموده بودند، به فرقه‌های مختلفی تقسیم شده و شکاف عمیقی میان آنان پدید آمد. نویسندگان ملل و نحل از دهها و صدها فرقه و مذهب سخن گفته‌اند و امت اسلامی را بر اساس روایتی از پیامبر- ص- به هفتاد و سه فرقه تقسیم نموده‌اند. بعضی از این فرقه‌ها که در همان سده‌های اولیه تاریخ اسلام پدید آمدند دستمایه‌ها و زیربنای آنها، فکری، اعتقادی، و یا سیاسی بوده است. اختلاف نظر در برداشتهای متفکران و فقهای اسلامی از قرآن، سنت و احادیث یکی از علل ایجاد فرق و مذاهب مختلف شده و گاهی نیز درگیری‌های سیاسی و نیز مشاجرات فکری، کلامی و اعتقادی موجد آن بوده است. از میان فرق پدید آمده، مهمترین آنها که اکنون قریب به اتفاق مسلمانان پیرو آنها می‌باشند، پنج مذهب امامیه، شافعی، مالکی، حنفی، حنبلی هستند که به مذاهب خمسه معروف می‌باشند. اینک بطور اجمال آنها را معرفی می‌کنیم و سپس به

ص: ۶۲

سایر فرق اسلامی که نقش بسزایی در تغییر و تحولات سیاسی و اعتقادی و سیر تاریخی اسلام داشته‌اند اشاره خواهیم داشت:

۱ شیعه امامیه؛

یکی از فرق و مذاهب اسلامی «شیعه امامیه» یا «شیعه جعفریه» است. شیعیان معتقدند بذر تشیع در اوایل بعثت و در واقعه «یوم الانذار» نهاده شد و رسول خدا- ص- از همان اوان، علی- ع- را که در آن میهمانی به ایشان ایمان آورده بود جانشین خود قرار داد و فرمود: «یا علی أنت و شیعتک هم الفائزون.»

آنان پس از رحلت رسول خدا- ص- بر اساس «نص»، وبا استناد به حدیث «یوم الانذار» و نیز «خطبه غدیر خم» که پیامبر- ص- در آن فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» علی بن ابیطالب- ع- را جانشین بلا فصل آن حضرت می‌دانند.

شیعیان؛ یعنی پیروان او هنگامی که خلافت را پس از رحلت پیامبر- ص- در کس دیگری دیدند، همراه پیشوایشان صبر و انتظار پیشه ساختند تا این که ایشان در سال ۳۵ هجری به خلافت رسید. از این هنگام شیعه جان تازه‌ای یافت. سومین امام آنان یعنی حسین- ع- فرزند فاطمه- س- در واقعه کربلا

ص: ۶۳

به شهادت رسید. فقه شیعه در دوران ششمین امام خود، جعفر بن محمد-ع- به اوج شکوفایی رسید و مذهب جعفریه به عنوان یکی از مذاهب اصلی مطرح گردید که هم اکنون بخشی از جامعه اسلامی، پیرو آن هستند. آنان معتقد به امامت بلا فصل نُه تن از فرزندان فاطمه- س- از نسل حسین-ع- می‌باشند که در مجموع از دوازده امام که اولین آنان داماد رسول خدا- ص- علی بن ابیطالب-ع- و آخرین آنان مهدی قائم هستند پیروی می‌کنند. دوازدهمین امام آنان در سال ۲۵۵ هجرت، غیبت فرموده و هرگاه خداوند متعال بخواهد برای نجات بشریت ظهور خواهد کرد، حتی اگر یک روز از عمر جهان باقی باشد. فقه شیعه بر اساس (کتاب) قرآن، سنت، اجماع، و عقل استوار است.

شیعه امامیه را «اثنی عشریه» نیز خوانده‌اند؛ زیرا معتقد به امامت دوازده امام یاد شده هستند، که از همان آغاز ایشان را در مقابل سبعیه یا هفت امامیان (اسماعیلیان) امامیان اثنی عشریه خواندند. آنان در صحت شمار ائمه خود که دوازده تن هستند به آیات قرآنی از قبیل: «... وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ

ص: ۶۴

نَقِیباً ...» (۱) «وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَیْ عَشْرَةَ أَسْبَاطاً أُمَماً ...» (۲)

و نیز روایات فراوانی که از رسول خدا- ص- بر جای مانده و آن حضرت ائمه پس از خود را دوازده نفر مانند عدد نقبای بنی اسرائیل دانسته‌اند، تمسک می‌جویند. ادله‌ای که آنان بر امامت خاندان عترت و طهارت ارائه می‌کنند عبارت است از:

۱- وجوب عصمت در امام: زیرا اگر امام معصوم نباشد اطمینان به وی در ابلاغ احکام سلب می‌شود، بعلاوه ممکن است در امامت و زعامت مسلمانان بر خلاف عدالت رفتار کند.

۲- نصب امام به واسطه رفع فتنه و اختلاف است و چنانچه امام را مردم تعیین کنند این اختلاف شدت می‌یابد.

۳- امامت خلافت از خدا و رسول است که قهراً باید توسط خدا و رسول او تعیین شود.

۴- سیره رسول اکرم- ص- در زمان حیات خود بر استخلاف و تعیین جانشین در موارد غیبت خود از مدینه بود،

۱- مائده: ۱۲

۲- اعراف: ۱۶۰

ص: ۶۵

بنابر این چگونه می‌شود آن حضرت برای بعد از خود جانشین تعیین نکند. در حقیقت آنان معتقد به «نص جلیّ»؛ یعنی تعیین آشکار هستند که آن را رسول خدا- ص- در روز غدیر خم انجام داده و علی- ع- را با عباراتی نظیر: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه و ...» به امامت امت تعیین فرموده‌اند. ایشان دلایل امامت علی- ع- را بنابر قرآن و سنت چنین بیان می‌کنند:

۱- «إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمونَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ» (۱)

که بر طبق گزارش مورخان و مفسران، علی- ع- در هنگام رکوع خویش به فقیر کمک کرده و این آیه در شأن ایشان نازل شده است.

۲- «الْیَوْمُ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی ...» (۲)

این آیه در شأن حادثه غدیر خم و تعیین علی- ع- به امامت پس از پیامبر- ص- به وسیله آن حضرت، نازل شده است.

۳- «یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسَالَتَهُ ...» (۳)

این آیه دستوری از جانب خداوند برای ابلاغ تعیین جانشینی علی- ع- در غدیر خم بوده است.

۴- «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ

۱- مائده: ۵۵

۲- مائده: ۳

۳- مائده: ۶۷

ص: ۶۶

وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسِكُمْ ...» (۱)

آیات مباهله نیز در شأن علی-ع- و همسر و فرزندانش نازل شده است که همان اصحاب کساء باشند.

شیعیان علاوه بر آیات قرآنی، به اقوال و گفته‌های رسول خدا- ص- نیز استناد می‌جویند از جمله به حدیث «یوم الدار» یا «یوم الانذار».

قال رسول اللَّه- ص-:

۱-«یا علی أنت خلیفتی من بعدی و انت وصیی و قاضی دینی» (۲) ۲- «و سلموا علیه بامرهٔ المؤمنین»

۳- «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» (۳) ۴- «و اقضاکم علی»

۵- «و تعلموا منه و لا تعلموه، اسمعوا له و اطیعوه»

۶- «انت منی بمنزلهٔ هارون من موسی الّا انه لا نبی بعدی» و ...

۱- آل عمران: ۶۱

۲-این حدیث را احمد بن حنبل در المسند؛ مغازلی در المناقب و سایر محدثان اهل سنت نیز نقل کرده‌اند

۳- حادثه غدیر خم در بیشتر منابع اهل سنت و شیعه ذکر شده است

ص: ۶۷

شیعه امامیه یا اثنی عشریه معتقد است که به قدرت خداوند و لطف او، حضرت مهدی- عج- پس از بروز علائمی ظهور خواهد کرد، در حالی که سن آن حضرت بین سی و چهل به نظر خواهد آمد. محل ظهور ایشان را مکه نوشته‌اند و در بین «رکن و مقام» مردم با آن حضرت بیعت می‌کنند. او جهان را پر از عدل و داد کند، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.

مجموعه احادیث اثنی عشریه در چهار کتاب گردآوری شده و بنام کتب اربعه معروف است. اساس این کتب اخباری است که از ائمه رسیده و غالباً به امام محمد باقر و امام صادق- علیهماالسلام- منتهی می‌شود. شاگردان آن دو امام چهارصد رساله در شرایع اسلام تألیف کردند که در زمان غیبت مورد استفاده واقع می‌شد که به اصول أربعمائهٔ معروف بود. مرحوم شیخ کلینی توانست آن چهارصد رساله اصل را جمع کرده و پنج مجلد، یکی در اصول دین و سه در فروع دین و یکی در مواعظ تبویب کرده آن را «الکافی» نامید. احادیث جمع‌آوری شده نزدیک به ۱۶۱۹۹ حدیث است. که در سی و دو کتاب تدوین شده است. در قرن چهارم شیخ صدوق بر اساس همین رسائل چهارصدگانه، کتاب «من لا یحضره الفقیه»

ص: ۶۸

را تـألیف کرد. پس از وی محمـد بن حسن طوسـی دو کتـاب «الاسـتبصار فی مـا اختلف من الاخبـار» و «تهـذیب الاحکام» را تألیف نمود. در فقه جعفری یـا اثنی عشـری که بنیانگـذار آن امـام صـادق- ع- می‌باشـد قیـاس منع شـده و به جای آن از عقل بهره‌برداری می‌شود. در بیشتر فروع فقه، مذهب شـیعه امامیه، غالباً با یکی از مذاهب اربعه اهل سنت موافق است و اهل سنت آنرا پنجمین مذهب اسـلامی دانسته‌اند. شیعه در اعمال مذهبی تفاوتی با اهل سنت جز در بعضی موارد ندارد؛ از جمله اذان، متعه، مجاز ندانستن خواندن سوره‌های سـجده‌دار در نماز، حرام بودن فقاع همانـنـد حرمت مشـروب، گفتن پنج تکبیر در نماز میت، ولی در اصول دین دو اصـل عدل و امامت را بر اصول اهل سنت می‌افزاید زیرا عدل را صفت ذاتی خداوند و امامت را اصل اساسی در اعتقاد خویش می‌داند.

۲- مذهب شافعی؛

بنیانگذار آن محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع هاشمی قرشی مطّلبی، مکنی به ابوعبداللَّه است. وی در سال ۱۵۰ هجری برابر با ۷۶۷ میلادی در فلسطین به دنیا آمد. مدتی در مکه و مدینه نزد اساتید فقه

ص: ۶۹

تلمذ کرد و سپس عازم بغداد شده و در سال ۱۹۵ ه. ق. در آنجا از دنیا رفت. وی هنگام توقف در عراق با محمـد بن حسن، شاگرد ابوحنیفه، آشـنایی یافت و فقه را به روش عراقیان از وی آموخت و بـدین ترتیب علم اهل حـدیث و اهل رأی هر دو در او جمع شد؛ آنگاه خود در این دو طریقه تصرفاتی کرده و قواعدی بوجود آورد. روش فقهی وی چنین است: اصل در فتوا، کتاب، سنت، اجماع، آثار و قیاس بر آنهاست و قیاس هم جز با علم به کتاب اللَّه و اطلاع از اقوال گذشـتگان و اجماع مردم و اختلافات آنان میسر نیست. مشهورترین کتاب وی در فقه «الام» در هفت مجلد می‌باشد.

۳- مذهب حنفیه؛

این مـذهب منسوب به نعمـان بن ثـابت بن زوطی ملقب به «ابوحنیفه» است که در سال ۸۰ هجری در کوفه بـدنیا آمد و به سال ۱۵۰ هجری در بغداد درگذشت.

اصـلیت وی ایرانی است. جـدّش زوطی در کابـل بود. وی در اوایـل عمر خود سـرگرم مباحثـات کلامی بوده و بـا وجود حمایت و تأییدی که بنی عباس از وی می‌کرده‌اند به علویان تمایل داشته، زیرا در درس ششمین امام شیعه، جعفر بن محمد- ع-

ص: ۷۰

حاضـر شـده و از او تلمـذ می کرده است. ابوحنیفه در قبول احادیث سـختگیر بود؛ چنانکه از مجموع احادیث، بیش از ۱۷ حدیث را قبول نداشت و همین امر او را مجبور می کرد که به قیاس و استحسان توجه کند.

۴- فرقه حنبلیه؛

بنیانگـذار این مذهب احمد بن محمد بن حنبل است که در سال ۱۶۴ ه. در بغداد بدنیا آمده و به سال ۲۴۱ هجری در همانجا از دنیا رفته است. احمـد بن محمـد بن حنبـل توجه خاصـی به جمع آوری احادیث داشت. مـدتی همراه امام شافعی بود و از وی کسب علم می کرد. وی اساس علم خود را بر کتاب، حدیث و سـنت قرار داده و هر فتوایی که از صـحابه نقل شده بود را می‌پذیرفت و از قیاس پرهیز می کرد. او در فقه کتابی تصنیف نکرد ولی در حدیث کتاب مشهور وی «المسند» مورد مراجعه فقهای حنبلی است.

۵- فرقه مالکیه؛

موجـد آن مالك بن انس است که در سال ۹۷ ه. ق. بدنیا آمد و در سال ۱۷۹ ه. ق. از دنیـا رفت. مالك بن انس بر خلاف ابوحنیفه به احادیث و سنن و اطلاع و استناد

ص: ۷۱

بر آنها رغبت کامل داشت و احکام خود را با توجه به آیات، احادیث و سنن رسول- ص- و صحابه و اجماع صادر می‌نمود. مالک بن انس مشهورترین کتابی که در حدیث جمع کرد «الموطأ» نام دارد. علاوه بر پنج فرقه مذهبی جهان اسلام که از عمده‌ترین فرقه‌های اسلامی بوده و بسیاری از مسلمانان جهان پیرو آنها می‌باشند، چندین فرقه مذهبی و سیاسی نیز از اهمیت نسبی برخوردارند که بدانها اشاره می‌شود:

۶- خوارج؛

یکی از فرقه‌های سیاسی و تا حدودی اعتقادی است که امروزه پیروان بسیار اندک و محدودی دارد.

این فرقه در سال ۳۸ هجری پس از جنگ صفین که میان علی ابن ابیطالب- ع- و معاویه رخ داد بوجود آمد. بنیانگذاران آن در سپاه علی- ع- که خلیفه مسلمین بود علیه معاویه می‌جنگیدند. پس از آن که فرزند ابوسفیان قرآنها را بر نیزه کرد آنان تقاضای صلح کردند و علی- ع- را مجبور به پذیرش آن نمودند. هنگامی که نماینده خلیفه، از نماینده معاویه فریب خورد و کار صلح به نفع معاویه خاتمه یافت، این عده شعار «لا حکم الّا للّه» را سر داده و می گفتند: علی- ع- حق نداشت به

ص: ۷۲

صلح تن دهد و حکم تنها از جانب خداست، و لذا علی- ع- و معاویه هر دو را کافر دانستند. در سال بعد، آنان در جنگی بنام «نهروان» علیه خلیفه اسلامی حضور یافته و علی- ع- بسیاری از آنان را در این جنگ به قتل رسانید و سرانجام خود بوسیله یکی از آنان به شهادت رسید.

خوارج خود را «شراۀ» به معنی فروشندگان می‌خواندند و این عنوان را از آنرو اختیار کردند که جان خویش را برای پاداش اخروی فدا می‌کردند. خوارج، علی- ع-، عثمان، معاویه و حکمین را کافر می‌دانستند. آنان می‌گفتند که خلیفه و جانشین پیامبر- ص- لازم نیست که از عرب و از قریش باشد وخلافت غیر عرب حتی موالی را هم جایز می‌دانستند به شرط آنکه او شخطی با تقوا و شمشیر زن و عادل باشد. بعضی از فرق ایشان در خلافت فرقی بین جنس زن و مرد نمی‌گذاشتند و امامت زنان را نیز جایز می‌دانستند. خوارج مرتکبین گناهان کبیره را کافر می‌شمردند و ریختن خونشان را مباح می‌دانستند و نکاح با زنان و دختران و فرقه‌هایی که از ایشان تبری می‌جستند را بعضی از فرق منشعب از آنان جایز و خروج با امامان خود را بر ضد کافران و منافقان واجب می‌دانند. خوارج دشمنان

ص: ۷۳

آشتی‌ناپذیر بنی امیه و شیعه بودند. فرق منشعب از آنان عبارتند از: ازارقه، نجدات، بهیسیه، عجارده، اباضیه، صفریه، شبیبیه.

خوارج در قرن دوم و سوم هجری از شبه جزیره و عراق به سوی ایران آمده و در سیستان و بلوچستان عَلَم طغیان برافراشتند. در جنگهای متمادی که در طول تاریخ علیه سپاهیان خلفا و امرای مختلف داشته، بسیاری از آنان از بین رفته‌اند و اکنون در بخشی از مناطق شمالی آفریقا پیروان محدودی از خوارج زندگی می‌کنند.

۷- زیدیه؛

یکی از فرق معروف هستند که بر خلاف شیعه امامیه از امامت محمد بن علی-ع- امام پنجم شیعه ملقب به «باقر» سر برتافته و امامت زید بن علی برادر ناتنی ایشان را که از نسل فاطمه- س- نبود به امامت خود برگزیدند. زید در سال ۷۹ هجری بدنیا آمد و در سال ۱۲۲ هجری به شهادت رسید.

زیدیه از لحاظ اعتقادی به مذهب معتزله گرایش داشتند. در سال ۱۲۰ هجری پس از آن که چهل هزار تن از مردم کوفه با زید بیعت کردند، علیه حکام اموی دست به قیام زد و سرانجام

ص: ۷۴

به شهادت رسید. سر وی را بریده، پیکرش را سوزانیدند و خاکسترش را به رود فرات ریختند. زیدیه (از لحاظ اعتقادی) گویند اگر امامی بخواهد خود را به مردم معرفی کند و بشناساند، باید با قیام به شمشیر احقاق حق نماید. زیدیه در یک نکته اساسی با شیعه اختلاف داشتند و آن منصوب شدن امام از سوی امام قبل می‌باشد که به طریق نص از امام قبل تا پیامبر- ص- و او از سوی خداوند به این مقام انتخاب می‌شود.

شیعه امامیه معتقد است که این امامت در نسل فاطمه- س- قرار دارد و امامت محمد باقر- ع- از سوی امام قبلی یعنی علی بن الحسین- ع- تأکید شده بود. هر چند امام باقر و امام صادق- علیهماالسلام- زید را یکی از پارسایان و فداکاران روزگار می‌دانستند و حتی با شنیدن خبر شهادت وی بسیار متأثر شدند ولی ادعای امامت او را نمی‌پذیرفتند و بویژه در این امر که او امامت مفضول یعنی خلیفه اول و دوم را بر امامت فاضل یعنی علی- ع- که بر اساس نص رسول خدا- ص- به جانشینی در غدیر خم معرفی شده بود، ترجیح داده و پذیرفته بود اختلاف کلی داشتند و لذا شیعیان امامیه از این روی در قیام وی سهیم نشدند.

ص: ۷۵

زیدیه برخلاف امامیه اثنی عشریه قائل به «عصمت» ائمه و «رجعت» نیستند و برخلاف آنان به «نص خفی» در مقابل «نص جلیّ» که از اعتقادات امامیه بود معتقد گشتند و گفتند:

نصی را که پیامبر- ص- درباره علی- ع- کرده «نص خفی» یعنی تعیین پنهان است و ایشان بنابر مصالحی راز امامت را بطور پنهان به بعضی از اصحاب خاص خویش فرموده است.

پس از زید فرزندش یحیی به خراسان گریخت و در آنجا قیام کرد ولی وی نیز کشته شد. پس از وی کار زیدیان بدست محمد نفس زکیه و ابراهیم افتاد که در بصره خروج کردند ولی هر یک پس از دیگری کشته شدند. زیدیان اولین حکومت خویش را در مراکش و آفریقای شمالی، یمن و طبرستان تشکیل دادند. اکنون مردم یمن زیدی مذهب هستند و تا پیش از جمهوریت، امام ایشان در شهر صنعا می‌زیست.

۸- اسماعیلیه؛

یکی دیگر از فرق مشهور هستند. آنان امامت را در اسماعیل فرزند ششمین امام شیعه «جعفر بن محمد- ع-» دانسته و از امامت هفتمین امام آنان؛ یعنی «موسی بن جعفر» ملقب به «کاظم» سر برتافتند.

ص: ۷۶

اسماعیل قبل از پدر وفات یافت و پیروان وی امامت را در محمد بن اسماعیل دیدند. در منابع اولیه اسماعیلیه غالباً از شخصی بنام ابوالخطاب محمد بن ابوزینب از موالی بنی اسد سخن بمیان می‌آید که در کار امامت اسماعیل دست داشته است. ابوالخطاب نخست از اصحاب امام محمد باقر و امام جعفر صادق- علیهماالسلام- امام پنجم و ششم شیعیان بود وبه سبب سخنان غلوآمیز درباره آندو، که آنان را به مرتبه خدایی می‌رساند، از درگاه امام جعفر صادق- ع- رانده و حتی مورد لعن و نفرین ایشان قرار گرفت و سرانجام نیز به سبب این سخنان غلوآمیز به دست عیسی بن موسی کشته شد. چون ابوالخطاب کشته شد پیروانش به محمد بن اسماعیل نوه امام جعفر صادق- ع- گرویدند. برخلاف عده‌ای که هنوز در مرگ اسماعیل بن جعفر شک داشته و او را غایب می‌پنداشتند، اینان به مرگ اسماعیل گواهی داده و پسر او را به جای امام صادق- ع- امام خویش دانستند. اسماعیلیه به دو فرقه «خاص» و «عام» تقسیم شده‌اند. اسماعیلیه پس از مرگ محمد بن اسماعیل بوسیله میمون قداح گسترش یافت. وی ایرانی الاصل بود و به سبب معاشرت با ابوالخطاب به مذهب غلو

ص: ۷۷

گراییده و طرفدار اسماعیل بن جعفر و پسرش شد. چون ابوالخطاب درگذشت قیم محمد بن اسماعیل و مربی او شد و مذهب باطنی را به وی تلقین کرد. نخستین دعوت مسلح اسماعیلیه در کشور یمن به سال ۲۶۸ هجری بود که اولین دولت اسماعیلی در آنجا تشکیل شد. در قرن سوم ابوعبداللَّه در شمال آفریقا دولت مشهور فاطمیان را تأسیس کرد و عبیداللَّه مهدی نیز بسیاری از شهرهای آفریقا را به تصرف درآورد. خلفای فاطمی در مقابل خلفای عباسی حکومت مستقلی تشکیل داده و به ترویج عقاید خویش می‌پرداختند.

اسماعیلیه امروز به دو طایفه «آقاخانیه» و «بُهره» تقسیم می‌شوند. گروه اول قریب به یک میلیون نفر در آسیای وسطی، آفریقا، هند و ایران پراکنده‌اند. گروه دوم که قریب به پنجاه هزار نفرند در جزیرۀالعرب و سواحل خلیج فارس و سوریه بسر می‌برند. اسماعیلیان از لحاظ اعتقادی اختلاف فراوانی با شیعه امامیه دارند، آنان به نص برای تعیین امام معتقد نیستند و امامت را در فرزندان معینی از ائمه نمی‌دانند، اسماعیل را امام و مهدی خود دانسته و معتقد به مرگ او نیستند و او را ناطق هفتم پس از علی- ع- می‌دانند. اسماعیلیان آیات قرآنی

ص: ۷۸

و احادیث و احکام شرع را تأویل می کننـد و ظاهر آنها را درست نمی‌داننـد بلکه به باطن آنها می گرایند. به سـبب این مکتوم بودن معانی است که همه کس را به آن دسترسـی و وقوف نیست و بشر محتاج به امام و معلم است که آن معانی را روشن سازد. آنان در دعوت خود مراحل خاصی را رعایت می کردند. آخرین مرتبه «دعات» آنان حجت بود که تنها عده معدودی می توانستند به این مقام برسند. از میان دعات ایرانی ناصر خسرو قبادیانی و حسن صباح به این مقام نایل آمدند.

برای همه دعات اسـماعیلی رئیسـی بنام «داعی الدعاهٔ» در دستگاه خلیفه فاطمی بسر می‌برد. پس از آن مرتبه ولایت یعنی امام، سپس وصـایت و آخریـن مرتبـه مقـام نـاطق بـود. هر امـامی دوازده حجت داشت که چهـار تن از آنـان همـواره ملازم خـدمت او بودنـد. اسماعیلیان به بهشت و دوزخ جسمانی معتقد نیستند.

۹– مُرجئه؛

این فرقه در زمان خلافت معاویه پدید آمد.

آنان فرقه‌ای صرفاً اعتقادی و کلامی بودند که بر اساس آیه

ص: ۷۹

«وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ ...» (۱)

مرتکبین به گناهـان کبیره را جهنمی ندانسـته و امر آنان را به خداونـد واگـذار می کردنـد؛ لـذا بـدین علت مرجئه (مأخوذ از ارجاء) نامیـده شدند. آنان معتقد بودند: جمیع مسـلمانان همین که در ظاهر به اسـلام شـهادت دهند مؤمنند و ارتکاب گناه به ایمان ضـرری نمی‌رساند. عقیده آنان درباره امام این است که چون کسی به امامت جامعه اسلامی انتخاب شد باید هر چه گفت پذیرفت. این فرقه در حقیقت از طرفـداران متعصب معـاویه و آل ابوسـفیان و از مخالفان جـدی خوارج و علویان بودنـد. آنان تا هنگامی که امویان در رأس قدرت قرار داشتند توانستند به حیات خود ادامه دهند. امروزه به نظر نمی‌رسد مرجئه طرفدارانی در جهان اسلام داشته باشد.

۱۰- معتزله؛

مؤسـس این فرقه واصل بن عطا از شاگردان حسن بصـری (م ۱۱۰ ه. ق.) بود که بـا کمک «عمرو بن عبیـد» این فرقه را پدیـد آورد. فرقه معتزله در اواخر عصر اموی ظهور

۱- توبه: ۱۰۷

ص: ۸۰

کرد و تا چندین قرن در تمدن اسلامی تأثیر داشت. ظهور این فرقه که بیشتر کلامی و فلسفی بود، جهان اسلام را با علوم و فلسفه آشنا کرد و مباحث عقلی و استدلالی را در حوزه اسلامی رواج داد. بدین علت اشاعره و محدثین با آنان به ستیز برخاستند. معتزله که در حقیقت بنیانگذار علم کلام در اسلام هستند به بیست فرقه تقسیم شدند. اصول عقاید آنان عبارتست از: ۱- قول به «المنزلهٔ بین المنزلتین» ۲- قول به توحید ۲- عدل ۴- وعد و وعید ۵- امر به معروف و نهی از منکر.

در میان خلفای عباسی، مأمون از طرفداران آنان بود.

۱۱- اشاعره؛

از پیروان ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری هستند. اشعری مخالف معتزله بود. به عقیده او ایمان عبارتست از تصدیق به قلب، اما قول به لسان و عمل به ارکان از فروع آنست و کسی که به قلب تصدیق کرد؛ یعنی به وحدانیت خدای تعالی و نبوت پیامبران از قلب اقرار کرد، ایمان او درست است و اگر در آن حال بمیرد مؤمن و رستگار شمرده می‌شود و مؤمن جز به انکار ایمان و لوازم آن از ایمان خارج نمی گردد. وی معتقد بود هرچه موجود است، قابل رؤیت

ص: ۸۱

خواهـد بود و خداونـد نیز موجود است پس مرئی است. امـامت را به اتفـاق و اختیار- نه به نص و تعیین- می‌دانـد و لـذا طریقه اهل سنت را تأیید می کند. آنان قرآن را بر خلاف معتزله قدیم می‌دانند. این فرقه نیز همانند معتزله صرفاً فکری و کلامی است.

۱۲- ثوریه؛

موجـد این فرقه سـفیان ثوری، ابن سـعید بن مسـروق بن حبیب مکنی به ابوعبـداللّه از فقیهان بزرگ است که در سال ۱۶۱ ه‍. ق. در بصـره بـدنیا آمـد. نسبت او به ثور بن عبـدمناهٔ می‌رسـد. مذهب وی که اساس آن بر توجه به حدیث قرار داشت، در اواخر قرن دوم هجری شهرت یافت. آنان معتقد بودند در استخراج احکام باید به احادیث تمسک کرد.

۱۳- وهابیه؛

یکی از فرق منشعب از اهل سنت هستند که از عقاید محمد بن عبدالوهاب، از اهالی نجد پیروی می کنند.

این مذهب اکنون مذهب رسمی حکومت سعودی است.

عبدالوهاب در سال ۱۱۱۵ ه‍. ق. در شهر «عیینه» از توابع نجد بدنیا آمد. پدر او از قاضیان حنبلی بود و شاید ابتدا وی به

ص: ۸۲

مذهب حنابله بوده است. با مسافرتهای متعددی که به بعضی از شهرها انجام داد، به طرح عقاید خویش پرداخت و زیارت قبور و نیز توسل به رسول خدا- ص- و ائمه اطهار، شفاعت جستن از پیامبر- ص- و ... را شرک دانست ولی به شدت مورد انکار و اعتراض مردم آن سرزمینها قرار گرفت و حتی مردم بصره او را از شهر با ذلت راندند. افکار و عقاید او حتی مورد اعتراض پدرش عبدالوهاب نیز قرار می‌گرفت. وی پس از مرگ پدر در شهر «حریمله» پیروانی یافت. پس از اخراج وی از این شهر، رهسپار «درعیه» گردید و در آنجا بود که با حاکم این شهر؛ یعنی «محمد بن سعود» (جد آل سعود) پیمان اتحاد بست و ارتباط وی با آل سعود در آنجا برقرار گردید.

دیری نپایید که در سرزمین نجد پیروانی یافت و با هجوم به قبایل و شهرهای همجوار که اعتقادات او را نمی‌پذیرفتند به قدرت بلا منازعی تبدیل شد. وی برای ثبات قدرت خویش، مخالفان را به سختی می‌کشت و اموال آنان را غارت می‌کرد در قریه‌ای از شهر «احساء» ۳۰۰ مرد را به قتل رسانید و اموال آنان را به غارت برد. محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۲۰۶ ه. ق. درگذشت.

ص: ۸۳

ابن سعود که ادامه دهنده راه او بود با سپاهی عظیم به شهرهای نجف و کربلا هجوم برد و پس از قتل بیش از ۵ هزار نفر، خزائن و موقوفات مرقد نواده رسول خدا- ص- را به غارت برده و این کار را تا سالهای بعد بطور مداوم انجام می‌داد و سرانجام با غلبه یافتن بر مکه و مدینه، قبور متبرکه و مشاهد مشرفه مورد هتک و ویرانی آنان قرار گرفت. از لحاظ اعتقادی، شیخ محمد بن عبدالوهاب، مبلغ و مروج عقاید ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزی بود. وی همانند ابن تیمیه، به تجسم خداوند و فرود آمدن او به عرش معتقد بود. ابن تیمیه در تفسیر آیه «الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی» از منبر خود پایین می‌آمد و می‌گفت خداوند بر عرش فرود می‌آید همانگونه که من از منبر پایین آمدم. وی همچنین معتقد به دیده شدن خداوند در روز قیامت بود و زیارت رسول خدا- ص- و قبور را شرک می‌دانست. عقاید ابن تیمیه در قرن هشتم با برخورد شدید علمای مذاهب اربعه اهل سنت مواجه شد و عقاید محمد بن عبدالوهاب نیز به همین سرنوشت دچار گردید. (۱)

۱- در نقد و مخالفت عقاید ابن تیمیه کتب مختلفی بوسیله علمای اهل سنت نگاشته شده از جلمه:

۱- «شفاء السقام فی زیارهٔ قبر خیر الانام» تقی الدین سبکی.

۲- «المقالهٔ المرضیهٔ» قاضی تقی الدین ابن عبداللّه اخنائی، قاضی فرقه مالکیه.

۳- «الدرهٔ المضیئهٔ فی الرد علی ابن تیمیه» تقی الدین سبکی.

۴- «نجم المهتدی و رجم المقتدی» فخر بن معلم قرشی.

۵- «التحفهٔ المختاره فی الرد علی منکر الزیاره» تاج الدین سبکی.

۶- «دفع الشبهه» تقی الدین حصنی

ص: ۸۴

اولین کسی که عقاید محمد بن عبدالوهاب را مورد نقد و ردّ قرار داد برادرش، سلیمان بن عبدالوهاب بود. وی کتابی با نام «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» نوشت.

۱۴- سالمیه؛

فرقه‌ای از متکلمان صوفیه و از اهل سنت هستند که از نظر فقهی پیرو مالک بن انس بودند. این مذهب در قرن سوم و چهارم هجری بین عده‌ای از مالکیان در بصره رواج داشت. مؤسس آن «سهل تستری (شوشتری)» درگذشته ۲۸۳ هجری است. ولی نام این فرقه از اسم شاگردش ابوعبداللّه محمد بن سالم (درگذشته ۲۹۷ ه. ق.) گرفته شده است وتوسط پسر وی ابوالحسن احمد بن محمد سالم (درگذشته ۳۵۰ ه. ق.) رونق گرفت. این فرقه بعدها مانند «بربهاریه» از نظر فقهی به حنابله پیوستند. از اعتقادات آن فرقه می‌توان بدین موارد اشاره

ص: ۸۵

داشت. ابلیس در آغاز کار، کافر شد و سرانجام به اطاعت خداوند درآمد. خداوند در روز قیامت به صورت آدمی دیده می‌شود و در میان خلق تجلی می‌فرماید. ابلیس بار دوم به آدم سجده کرد ولی هرگز به بهشت اندر نیامد. خداوند در روز قیامت به صورت آدمی محمدی بر انس و جن و ملائکه و حیوانات ظاهر شود و کافران هم خداوند را می‌بینند و خدا از ایشان بازخواست می‌کند.

۱۵- کرامیّه؛

از فرق سنت و جماعت بودند و از ابوعبداللَّه محمد بن کرام بن عراف بن خزامه (متوفای ۲۵۵ ه. ق.) پیروی می‌کردند. وی مردی سیستانی و به ابن الکرام مشهور گشته بود. ابوالفتح سبتی درباره او چنین گفته است: محمد بن کرام از مجسمه بود و می‌گفت خداوند را جسم و اعضاست و می‌نشیند و حرکت می‌کند. او می‌پنداشت که خدا جسم است و از زیر و آنسوی به عرش برمی‌خورد. حدّ و نهایت دارد و او مماس یعنی چسبیده بر تخت خویش است و عرش جایگاه وی می‌باشد. و این شبیه عقاید ثنویه است. برخی از کرامیه پنداشتند که خداوند به نیست کردن هیچ جسمی در هیچ حال

ص: ۸۶

توانا نیست. ابن کرام در فقه نیز دخالت کرده و درباره نماز مسافر می‌گفت: او را گفتن دو تکبیر کافی است بی‌رکوع و بی‌سجود و بی‌قیام و قعود و بی‌تشهد و سلام. و نیز گوید غسل میت و نماز بر او، دو سنت غیر واجبند و کار واجب کفن و دفن اوست و گفته است: نماز و روزه و حج بی‌نیت درست است.

۱۶-/ مجسّمه و مشبهه؛ این نام به عموم فرقی که در توحید به تجسم خداوند قائل گشته‌اند، اطلاق می‌گردد. اصل تشبیه از یحیی بن معین، احمد بن حنبل، سفیان ثوری، اسحاق بن راهویه، داود اصفهانی و هشام بن حکم برخاسته و مشبهان و مجسمان هر دو در اعتقاد یک فرقه می‌باشند ولی در شرع هفت فرقه که عبارتند از:

۱- قومی از کرامیان که ایشان در فروع شرع، مذهب ابوحنیفه دارند ۲- بعضی از اصحاب مالک بن انس ۳- بعضی از اصحاب شافعی ۴- تمام اصحاب سفیان ثوری ۵- تمام اصحاب اسحاق بن راهویه ۶- تمام اصحاب احمد بن حنبل ۷- بیشتر کرامیان که در اصل و فروع، مذهب ابوعبداللّه کرّام دارند.

ص: ۸۷

مجسمه و مشبهه همگی خداوند را تشبیه به خلق کنند و برایش جا و مکان اثبات کنند و گویند بر عرش جای دارد و پاها بر کرسی نهاده، سر و دست و اعضا دارد و هر چه را که جا و مکان نباشد معدوم است، نه موجود. آنان گفته‌اند: خداوند خواست آدم را بیافریند پس آئینه پیش روی خود نهاد و آدم را بصورت خود بیافرید. قومی گفتند: او جمله اعضا دارد الّا حلقوم و خرطوم و بعضی گفتند: او خرطوم هم دارد.

از یکی از بزرگان «حشویه» پرسیدند که خدای تعالی اعضا دارد؟ گفت: آری جمله اعضا چنانکه ما داریم. پس مردی اشاره به عورت کرد. شیخ گفت: آن نیز دارد!

ابوالمهزم از ابوهریره روایت کند که از رسول- ص- پرسیدند که خداوند از چیست؟ گفت: از آب و لیکن نه از آب زمین و نه از آب آسمان، او اسب را بیافرید و بدوانید تا عرق کرد سپس خود را از آن عرق بیافرید. عروه از عبداللّٰه بن عمرو بن عاص روایت کرد که گفت: خدای تعالی ملائکه را از موی سینه و دستهای خود بیافرید. از گفته‌های آنان است که روز قیامت حضرت فاطمه- س- بیاید و پیراهن خون آلوده حضرت حسین- ع- بر دوش افکنده تا داد خواهد و خدای

ص: ۸۸

تعالی چون وی را ببیند به یزید گوید در زیر عرش رو که فاطمه تو را می‌بیند. یزید در زیر عرش پنهان می‌شود، چون فاطمه برسد و فریاد برآورد و داد خواهد خداوند پای برهنه کند و دستار بروی بسته گوید: ای فاطمه اینک پای من همچنان مجروح از تیر نمرود است از آنگاه که تیر انداخت و من او را عفو کردم تو نیز یزید را عفو کن و فاطمه- س- یزید را عفو نماید. (۱)

۱- برای اطلاع بیشتر از فرق و مذاهب اسلامی نک: الملل و النحل، شهرستانی؛ فرق الشیعه، نوبختی؛ المقالات الاسلامیین، اشعری؛ تاریخ فرق و مذاهب اسلامی، محمد جواد مشکور

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹